

دعای مشلول

أَهْوَى؛ يَا مَنْ دَمَّرَ عَلَى قَوْمِ لُوطٍ ، وَدَمَدَمَ عَلَى قَوْمِ شُعَيْبٍ ،

در زمین فرو رفتند، ای آن که بر قوم لوط واژگون نمود، و بر قوم شعیب عذابی دردناک فرستاد،

يَا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ، يَا مَنْ اتَّخَذَ مُوسَى كَلِيمًا ، وَاتَّخَذَ مُحَمَّدًا

ای آن که ابراهیم را دوست خویش ساخت، ای آن که موسی را همسخن خود ساخت، و محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حَبِيبًا ، يَا مُؤْتِي لُقْمَانَ

(درود خدا بر او و همه خاندانش) را محبوب خویش برگرفت، ای بخشنده حکمت به لقمان

الْحِكْمَةَ ، وَالْوَاهِبَ لِسُلَيْمَانَ مُلْكًا ، لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ،

و بخشنده فرمانروایی به سلیمان، چنان فرمانروایی که برای احدی پس از او سزاوار نیست،

يَا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَّارَةِ ، يَا مَنْ أَعْطَى الْخِضْرَ

ای آن که ذو القرنین را بر فرمانروایان سرکش پیروز نمود، ای آن که به خضر زندگی جاودان

الْحَيَاةَ ، وَرَدَّ يُوشَعَ بْنَ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِهَا ، يَا مَنْ رَبَطَ

عطا فرمود، و خورشید را پس از غروبش برای یوشع بن نون برگرداند، ای آن که آرامش بخشید

عَلَى قَلْبِ أُمِّ مُوسَى ، وَأَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَةِ عِمْرَانَ ، يَا مَنْ

به قلب مادر موسی و عفت و پاکی مریم دختر عمران را حفظ نمود، ای آن

حَصَّنَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ ، وَسَكَّنَ عَن مُوسَى

که یحیی پسر زکریا را از گناه پاک داشت و خشم را از موسی

الْغَضَبَ ، يَا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِيَحْيَى ، يَا مَنْ فَدَى إِسْمَاعِيلَ مِنْ

باز نشانند، ای آن که زکریا را به تولد یحیی مژده داد، ای آن که با فرستادن ذبح عظیم، اسماعیل را از

الذَّبْحِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ ، يَا مَنْ قَبَلَ قُرْبَانَ هَابِيلَ ، وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى

ذبح شدن نجات داد، ای آن که قربانی هابیل را پذیرفت، و لعنت را بر

قَابِيلَ ، يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، صَلِّ

قابیل قرار داد، ای گریزدهنده گروههای دشمن محمد (درود خدا بر او و خاندانش)،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ ، وَمَلَائِكَتِكَ

بر محمد و خاندان محمد و بر همه فرستادگان و فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ ، وَاهْلٍ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْأَلَةٍ

بارگاهت و بر اهل طاعتت همگان درود فرست، و از تو خواستارم هر خواهشی را که

دُعای مشلول

سَأَلْتُكَ بِهَا أَحَدٌ مِّن رَّضِيَّتِ عَنْهُ، فَخَتَمْتَ لَهُ عَلَى الْإِجَابَةِ؛ يَا

بندگان مورد خشنودیت از تو خواسته‌اند، و اجابت خواهش آنها حتم فرمودی، ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، ای مهربان، ای مهربان،

يَا رَحِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

ای مهربان، ای دارای شکوه و کرامت، ای دارای شکوه و کرامت، و کرامت،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

ای دارای شکوه و کرامت، به او به او به او به او به او به او به او به او به او به او به او به او، از تو خواستارم به هر نامی که

سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِّن كُتُبِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ

خود را به آن نامیدی، یا آن را در کتابی از کتابهایت فرو فرستادی، یا آن

بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَبِمُنْتَهَى

را در علم غیبیت نزد خود نگاه داشتی، و به بندگاههای بلند عرشت، و به منتهای

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَيَمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ،

رحمت از کتاب سرنویست خویش و به آنچه در این آیه است: «اگر همه درختان روی زمین قلم باشند

وَالْبَحْرِ يُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ، مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ؛ إِنَّ

و دریا هم مرکب شود که از پس آن هفت دریای دیگر مددش کنند کلمات خدا تمام نمی‌شود، همانا

اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ وَاسْأَلُكَ بِاسْمَائِكَ الْحُسْنَى، الَّتِي نَعَّثَهَا فِي

خدا عزیز حکیم است»، و تو را می‌خوانم به نامهای نیکویت که آنها را در

كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: ﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾؛ وَقُلْتَ:

کتابت وصف کرده و گفتی: «و برای خدا نامهای نیکوست، پس خدا را به آنها بخوانید»، و نیز گفتی:

﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ وَقُلْتَ: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي

«مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»، و گفتی: «هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند

فَأَنِّي قَرِيبٌ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾؛ وَقُلْتَ: ﴿يَا عِبَادِي

پس به یقین من به آنان نزدیکم، دعای دعا کننده را هرگاه دعا کند پاسخ می‌دهم»، و گفتی: «ای بندگانم

الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ؛ إِنَّ اللَّهَ

که بر خود اسراف کردید از رحمت خدا ناامید نباشید، همانا خدا

دُعایِ بیشتر

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾ . وَ أَنَا أَسْأَلُكَ

همه گناهان را می‌آمرزد، به یقین او آمرزنده مهربان است» و من از تو درخواست می‌کنم

يَا إِلَهِي، وَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ، وَ أَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي، وَ أَطْمَعُ فِي

ای خدای من و تو را می‌خوانم ای پروردگارم، و به تو امیدوارم ای آقایم و در اجابت دعایم

إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي، وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

به تو طمع دارم ای مولایم، انطور که به من وعده اجابت دادی، تو را خواندم، و آنگونه که به من امر فرمودی،

فَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ يَا كَرِيمٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

پس با من چنان رفتار کن که سزاوار تو است ای کریم و سپاس خدای را پروردگار جهانیان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ. پس حاجت خود را

و درود خدا بر محمد و خاندانش همگان.

ذکر کن که انشاءالله تعالی بر آورده خواهد شد و در روایت «مهج الدعوات» است که این دعا را هرگز بدون طهارت نخوان.

دُعایِ معروفِ بیشتر

سید ابن طاووس در کتاب «مهج الدعوات» از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده: حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ این دعا را به من تعلیم داد و امر فرمود آن را در هر حال و برای هر سختی و آسانی بخوانم و نیز آن را به جانشین خود تعلیم دهم و خواندن این دعا را ترک نگویم تا حق تعالی را ملاقات کنم و نیز فرمود: یا علی این دعا را هر صبح و هر شام بخوان زیرا که گنجی از گنجهای عرش الهی است. اَبِيّ بن کعب، به پیشگاه

دُعایِ یستِشِر

حضرت رسول ﷺ التماس کرد که آن حضرت فضیلت این دعا را بیان نماید، حضرت اندکی از ثواب بسیار آن را بیان فرمود. هر که می‌خواهد به کتاب «مهج الدعوات» مراجعه نماید. متن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْمُدَبِّرُ

ستایش خدا را که معبودی جز او نیست، آن فرمانروای بر حق آشکار، تدبیرگر هستی

بِلا وَزِيرٍ، وَلَا خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُهُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ،

بی‌آنکه او را وزیر باشد و یا با آفریده‌ای از بندگانش مشورت نماید، آغازی است که در وصف ننگند

وَالْباقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ ، الْعَظِيمُ الرَّبُّوبِيَّةِ ، نَوْرُ

و پابرجاست پس از فنای آفریدگان، پروردگاری‌اش بس بزرگ است، روشنایی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ (وَالْأَرْضِ) وَفَاطِرُهُمَا، وَمُبتَدِعُهُمَا

آسمانها و زمینها و آفریننده و پدیدآورنده آن دو است، آسمان و زمین را

بِغَيْرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا ، وَفَتَقَهُمَا فَتَقًا، فَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ

بی‌ستون آفرید، و از هم گشودشان گشودنی چشمگیر، پس آسمانها

طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ ، ثُمَّ

به فرمان او بر پا شدند، و زمینها با کوههایشان بر فراز آب جا گرفت، سپس

عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَا ، ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ ،

بلندی گرفت پروردگار ما در آسمانهای بلند، خدای بخشاینده بر فرمانروایی هستی چیره گشت،

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ، وَمَا تَحْتَ

تنها از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است و هر آنچه بین آن دو

دُعایِ بیشتر

الثَّرَى ﴿١﴾ ، فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ ، لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ ،

و آنچه زیر خاک است، پس من شهادت می‌دهم که تنها تویی خدا، بالا برنده‌ای برای آنچه بر زمین نشاندی نیست

وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ ، وَلَا مُعِزَّ لِمَنْ أَدَلَّتْ ، وَلَا مُدِلَّ لِمَنْ

و نه زمین زنده‌ای برای آنچه بالا بردی و نه عزت بخشی آن را که تو خوارش کردی، و خوارکننده‌ای نیست

أَعَزَّزْتَ ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ ، وَأَنْتَ

آن را که تو عزیز نمودی و بازدارنده‌ای برای آنچه عطا کردی نیست، و نه عطا کننده‌ای برای آنچه دریغ کردی، و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مَبْنِيَّةً ، وَلَا أَرْضٌ

خدا، معبودی جز تو نیست، تو بودی آنگاه که نه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی

مَدْحِيَّةٌ ، وَلَا شَمْسٌ مُضِيَّةٌ ، وَلَا لَيْلٌ مُظْلِمَةٌ ، وَلَا نَهَارٌ مُضِيٌّ ،

گسترانیده و نه خورشیدی تابان و نه شبی تاریک و نه روزی فروزان

وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ ، وَلَا جَبَلٌ رَاسٍ ، وَلَا نَجْمٌ سَارٍ ، وَلَا قَمَرٌ مُنِيرٌ ،

و نه دریایی خروشان و نه کوهی استوار و نه ستاره‌ای روان و نه ماهی تابنده

وَلَا رِيحٌ تَهْبُ ، وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ ، وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ ، وَلَا رَعْدٌ

و نه بادی وزان، و نه ابری پرباران، و نه برقی درخشان، و نه صاعقه‌ای

يُسَبِّحُ ، وَلَا رَوْحٌ تَنْفَسُ ، وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ ، وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ ،

تسبیح گویند، و نه روحی دم‌زنان و نه پرنده‌ای پرن و نه آتشی فروزان

وَلَا مَاءٌ يَطَّرِدُ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَكَوْنْتَ كُلِّ شَيْءٍ ،

و نه آبی روان بوده باشند، پیش از هر چیز بودی و همه چیز را پدید آوردی

وَقَدَرْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ ، وَاعْنَيْتَ

و بر هر چیز توانا بودی و همه چیز را نو آفریدی و توانگر نمودی

وَأَفْقَرْتَ ، وَآمَتَّ وَأَحْيَيْتَ ، وَأَضْحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ ، وَعَلَى

و ناتوان ساختی و میرانندی و زنده نمودی و خندانندی و گریانندی، و بر

الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ ، فَتَبَارَكَتَ يَا اللَّهُ وَتَعَالَيْتَ ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي

فرمانروایی هستی چیره گشتی، پس خجسته بودی، ای خدا، و بلندی گرفتی، تویی خدایی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْخَلَّاقُ الْمُعِينُ (الْعَلِيمُ) ، أَمْرُكَ غَالِبٌ ، وَعِلْمُكَ

معبودی جز تو نیست، آفریننده یاری رسانی که فرمانت چیره و علمت

دُعایِ یَسْتِشِرُّ

نَافِذٌ ، وَكَيْدُكَ غَرِيبٌ ، وَوَعْدُكَ صَادِقٌ ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ ،

نافذ، و نیرنگت شگفت، و وعدهات راست، و گفتهات، حق،

وَحُكْمُكَ عَدْلٌ ، وَكَلَامُكَ هُدًى ، وَوَحْيُكَ نُورٌ ،

و داوریات دادگرانه و سخنت هدایتگر و پیامت نور

وَرَحْمَتُكَ وَاسِعَةٌ ، وَعَفْوُكَ عَظِيمٌ ، وَفَضْلُكَ كَثِيرٌ ، وَعَطَاؤُكَ

و رحمتت فراگیر، و گذشتت بزرگ و بخششت بسیار، و عطایت

جَزِيلٌ ، وَحَبْلُكَ مَتِينٌ ، وَإِمَّاكَانُكَ عَتِيدٌ ، وَجَارُكَ عَزِيزٌ ،

فراوان و ریسمانت استوار، و یریات فراهم و پناهندهات عزتمند

وَبَأْسُكَ شَدِيدٌ ، وَمَكْرُوكٌ مَكِيدٌ ، أَنْتَ يَا رَبِّ مَوْضِعٌ كُلِّ

و عذابت سخت، و نیرنگت زیرکانه است، تو ای پروردگار من آستانت جایگاه هر

شَكْوَى ، [وَ] حَاضِرٌ كُلِّ مَلَا ، [وَ] شَاهِدٌ كُلِّ نَجْوَى ، مُنْتَهَى كُلِّ

شکایتی است و خود حاضر در هر جماعتی و گواه هر گفتگوی نهانی، نهایت هر

حَاجَةٍ ، مُفَرِّجٌ كُلِّ حَزْنٍ (حَزِينٍ) ، غِنَى كُلِّ مِسْكِينٍ ،

حاجتی، شادی بخش هر اندوهگین، توانگری هر بر خاک نشسته ای،

حِصْنٌ كُلِّ هَارِبٍ ، أَمَانٌ كُلِّ خَائِفٍ ، حِرْزُ الضُّعْفَاءِ ، كَنْزُ

دژ استوار هر گریزانی، امان هر هراسانی، نگاهدار ناتوانانی، گنجینه

الْفُقَرَاءِ ، مُفَرِّجُ الْغَمِّ ، مُعِينُ الصَّالِحِينَ ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا ،

تهیدستانی، غمزدای غمزدگانی، پشتیبان شایستگانی، آن است خدا، پروردگار ما،

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، تَكْفِي مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ ، وَأَنْتَ جَارُ

معبودی جز او نیست، کفایت می کنی از بندگانت آن را که بر تو توکل کند، و تویی پناه

مَنْ لَازِ بِكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ ، عِصْمَةٌ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ ، نَاصِرٌ

آن که به تو پناه آورد و به درگاہت زاری نماید، نگهدار کسی که به دامن تو چنگ زند، یار آن که

مَنْ انْتَصَرَ بِكَ ، تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَكَ ، جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ ،

از تو یاری جوید، می آمرزی گناهان آن را که از تو آمرزش خواهد، جبار جبارانی،

عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ ، كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ ، سَيِّدُ السَّادَاتِ ، مَوْلَى الْمُؤَالِي ،

بزرگ بزرگان، سرور سروران، آقای آقایان، سرآمد مولایان،

دُعایِ یسیر

صَرِيحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ ، مُنْفَسُّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ ، مُجِيبُ

دادرس دادخواهان، گره‌گشای گرفتاران، اجابت‌کننده

دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّينَ ، أَسْمَعُ السَّامِعِينَ ، أَبْصُرُ النَّاطِرِينَ ،

دعای بیچارگان، شنواترین شنوندگان، بیناترین بینندگان،

أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ ، أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ، أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، خَيْرُ

داورترین داوران، سریع‌ترین حساب‌رسان، مهربان‌ترین مهربانان، بهترین

الْغَافِرِينَ ، قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ ، مُغِيثُ الصَّالِحِينَ ؛ أَنْتَ

آمرزندگان، برآورنده حاجات مؤمنان، فریادرس نیکان، تویی

اللَّهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، رَبُّ الْعَالَمِينَ ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ ،

خدا، معبودی جز تو نیست، پروردگار جهانیان، تویی آفریدگار و من آفریده

وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ ، وَأَنْتَ

و تویی مالک و من مملوک، و تویی پروردگار و من بنده، و تویی

الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ ، وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

روزی‌دهنده و من روزی‌خوار، و تویی بخشنده و من سائل، و تویی دارای جود

وَأَنَا الْبَخِيلُ ، وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا

و من بخیل، و تویی توانمند و من ناتوان، و تویی عزتمند و من

الذَّلِيلُ ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ ، وَأَنْتَ السَّيِّدُ وَأَنَا الْعَبْدُ ،

خوار، و تویی بی‌نیاز و من تهیدست، و تویی آقا و من بنده،

وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْجَاهِلُ ، وَأَنْتَ

و تویی آمرزنده و من بدکار، و تویی دانایان و من نادان، و تویی

الْحَلِيمُ وَأَنَا الْعَجُولُ ، وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ ، وَأَنْتَ

بردبار و من شتابزده و تویی رحم‌کننده و من رحم‌شده، و تویی

الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُبْتَلَى ، وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ ، وَأَنَا أَشْهَدُ

عافیت‌بخش و من بلازده و تویی اجابت‌کننده و من ناچار و پریشان، و گواهی می‌دهم

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَلْمَعطَى عِبَادَكَ بِلَا سُؤَالٍ ،

که تویی خدا، معبودی جز تو نیست، عطابخش بندگانی بدون درخواست ایشان،

دُعایِ مُجِیْبِ

وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الْمَتَّفِرِدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ،

و گواهی می‌دهم تویی خدای یگانه یکتای بی‌همتای بی‌نیاز تک،

وَأَلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الطَّيِّبِينَ

و بازگشت همه به سوی تو است، خدا یا بر محمد و اهل بیت پاک و پاکیزه اش درود فرست

الطَّاهِرِينَ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ عُيُوبِي، وَافْتَحْ لِي

و گناهانم را بیامرز و بر من ببوشان و کاستیهایم را و از پیشگاهت

مِن لَدُنْكَ رَحْمَةً وَرِزْقًا وَسِعًا؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

برای من رحمت و روزی فراوان بشگا، ای مهربان‌ترین مهربانان، و سپاس خدا را

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پروردگار جهانیان، و خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است و جنبش و نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

جز به عنایت خدای والای بزرگ.

دُعایِ مُجِیْبِ

این دعا در بین دعاها از جایگاه بلندی برخوردار است و از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده و دعایی است که جبرئیل برای آن حضرت هنگامی که در مقام ابراهیم مشغول نماز بودند آورد و کفعمی در «بلد الامین» و «مصباح» این دعا را ذکر نموده و در حاشیه آن به فضیلت آن اشاره کرده، از جمله اینکه هر که این دعا را در «ایام الیض» [روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم] ماه رمضان بخواند گنااهش آمرزیده می‌شود، هرچند به عدد دانه‌های باران و برگهای

دُعایِ مُبِیر

درختان و ریگهای بیابان باشد. و خواندن آن برای شفای بیمار و ادای دین و بی‌نیازی و توانگری و رفع غم و اندوه سودمند است. و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ، تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای خدا، بلندمرتبه هستی ای بخشنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا رَحِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای کریم، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ، تَعَالَيْتَ يَا مَالِكُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای فرمانروا، بلندمرتبه هستی ای مالک، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ، تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بری از هر عیب، بلندمرتبه هستی ای سلام، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ، تَعَالَيْتَ يَا مُهَيِّمُنُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای ایمن‌بخش، بلندمرتبه هستی ای چیره بر هستی، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ، تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای عزتمند، بلندمرتبه هستی ای جبار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بزرگ‌منش، بلندمرتبه هستی ای بزرگ‌منش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِئُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای آفریننده، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقَدِّرُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای صورت‌آفرین، بلندمرتبه هستی ای تقدیرکننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُبَسِّر

سُبْحَانَكَ يَا هَادِي ، تَعَالَيْتَ يَا بَاقِي ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای راهنما، بلندمرتبه هستی ای ماندگار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ ، تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای بخشایشگر، بلندمرتبه هستی ای بسیار توبه‌پذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای گشایشگر، بلندمرتبه هستی ای خستگی‌ناپذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای سرورم، بلندمرتبه هستی ای مولایم، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ ، تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای نزدیک، بلندمرتبه هستی ای نگاهبان، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُبْدِيُّ ، تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای پدیدآورنده، بلندمرتبه هستی ای بازگرداننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ ، تَعَالَيْتَ يَا مُجِيدُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای ستوده، بلندمرتبه هستی ای دارای عظمت، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ ، تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای دیرینه، بلندمرتبه هستی ای بزرگ، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ ، تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای آمرزگار، بلندمرتبه هستی ای ستایش‌پذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ ، تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای گواه، بلندمرتبه هستی ای حاضر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ ، تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای منت‌گذار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ ، تَعَالَيْتَ يَا وَاوِرِثُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای برانگیزنده، بلندمرتبه هستی ای میراث‌بر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي ، تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ ، أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ؛

منزهی تو ای زندگی‌بخش، بلندمرتبه هستی ای میراننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُبِیر

سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای همراه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا أَنْيسُ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْئِسُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای همدم، بلندمرتبه هستی ای مونس، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا جَمِيلُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بزرگ منزلت، بلندمرتبه هستی ای زیبا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای آگاه، بلندمرتبه هستی ای بینا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا حَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مَلِيٌّ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای امان‌ده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْجُودُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای معبود، بلندمرتبه هستی ای موجود، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ، تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بسیار آمرزنده، بلندمرتبه هستی ای ستوده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مَذْكُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای یاد شده، بلندمرتبه هستی ای سپاس شده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ، تَعَالَيْتَ يَا مَعَاذُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بخشنده، بلندمرتبه هستی ای پناهگاه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا جَمَالُ، تَعَالَيْتَ يَا جَلالُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای زیبا، بلندمرتبه هستی ای باشکوه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا سَابِقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای پیش از همه، بلندمرتبه هستی ای روزی‌دهنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ، تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای راستگو، بلندمرتبه هستی ای شکافنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای شنوا، بلندمرتبه هستی ای سریع، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُجِیْب

سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ، تَعَالَيْتَ يَا بَدِيعُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای بلند پایه، بلندمرتبه هستی ای نوآفرین، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا فَعَّالُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالَى، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای همواره در کار، بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَاضِي، تَعَالَيْتَ يَا رَاضِي، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای قضاوت کننده، بلندمرتبه هستی ای خشنود، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا طَاهِرُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای چیره، بلندمرتبه هستی ای پاک، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَالِمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای دانا، بلندمرتبه هستی ای حکمران، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای پاینده، بلندمرتبه هستی ای پایدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَاصِمُ، تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای نگهدارنده، بلندمرتبه هستی ای پخش کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا غَنِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مُغْنِيٌّ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای بی نیاز، بلندمرتبه هستی ای بی نیاز کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا قَوِيٌّ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای باوفا، بلندمرتبه هستی ای توانا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا كَافِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا شَافِيٌّ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای کفایت کننده، بلندمرتبه هستی ای شفافبخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ، تَعَالَيْتَ يَا مُؤَخِّرُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای پیش‌انداز، بلندمرتبه هستی ای پس‌انداز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا اَوَّلُ، تَعَالَيْتَ يَا اٰخِرُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای آغاز، بلندمرتبه هستی ای انجام، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای آشکار، بلندمرتبه هستی ای نهان، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُبِیر

سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجَى، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای امید، بلندمرتبه هستی ای امیدبخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ، تَعَالَيْتَ يَا ذَا الطُّوْلِ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای همواره بخشایشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ، تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای زنده، بلندمرتبه هستی ای به خود پاینده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ، تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای یگانه، بلندمرتبه هستی ای یکتا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ، تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای سرور، بلندمرتبه هستی ای مقصود همه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا كَبِيرُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای توانا، بلندمرتبه هستی ای بزرگ، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَالِي، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالِي (عَالِي)، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای ولایت مدار، بلندمرتبه هستی ای بلند پایه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای والا، بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَى، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای سرپرست، بلندمرتبه هستی ای مولا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيُّ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای پدیدآور، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ، تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای فرودآور، بلندمرتبه هستی ای فرازبر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ، تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای دادگر، بلندمرتبه هستی ای گردآور، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای عزت‌بخش، بلندمرتبه هستی ای خوارساز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُجِیْب

سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ، تَعَالَيْتَ يَا حَفِیْظُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای نگاهبان، بلندمرتبه هستی ای نگاهبان، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای توانا، بلندمرتبه هستی ای توانمند، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَلِیْمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَلِیْمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای دانا، بلندمرتبه هستی ای بردبار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا حَاكِمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای داور، بلندمرتبه هستی ای فرزانه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُعْطَى، تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای بازدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ، تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای زیان‌رسان، بلندمرتبه هستی ای سودبخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُجِیْبُ، تَعَالَيْتَ يَا حَسِیْبُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای اجابت‌کننده، بلندمرتبه هستی ای حسابرس، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ، تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای دادگر، بلندمرتبه هستی ای جدایی‌انداز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا لَطِیْفُ، تَعَالَيْتَ يَا شَرِیْفُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای شریف، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ، تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای پروردگار، بلندمرتبه هستی ای حقیقت‌پایدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مَا جِدُّ، تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای پرشکوه، بلندمرتبه هستی ای یگانه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای درگذرنده، بلندمرتبه هستی ای انتقام‌گیرنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ، تَعَالَيْتَ يَا مُوَسِّعُ، اَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِیْرُ؛

منزهی تو ای بسیار عطابخش، بلندمرتبه هستی ای عطاگستر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعایِ مُبَسِّر

سُبْحَانَكَ يَا رَوْفُ، تَعَالَيْتَ يَا عَطُوفُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای پر مهر، بلندمرتبه هستی ای نوازشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا فَرْدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَتْرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای یگانه، بلندمرتبه هستی ای بی‌همتا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُقِيتُ، تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای روزی‌بخش، بلندمرتبه هستی ای فراگیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا عَدْلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای وکیل، بلندمرتبه هستی ای عدالت محض، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُبِينُ، تَعَالَيْتَ يَا مَتِينُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای آشکار، بلندمرتبه هستی ای استوار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا بَرُّ، تَعَالَيْتَ يَا وَدُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای نیکو، بلندمرتبه هستی ای مهرورز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای راهنما، بلندمرتبه هستی ای راهبر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا نُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای روشنایی، بلندمرتبه هستی ای روشنی‌بخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا نَاصِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای یاری رسان، بلندمرتبه هستی ای یاور، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ، تَعَالَيْتَ يَا صَابِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای بردبار، بلندمرتبه هستی ای شکیبا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي، تَعَالَيْتَ يَا مُنْشِئُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای شمارشگر، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ، تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای پاک و منزّه، بلندمرتبه هستی ای جزا‌دهنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثُ، تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای فریادرس، بلندمرتبه هستی ای پناه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

دُعای عید

سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ، تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ، أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ؛

منزهی تو ای آفریننده، بلندمرتبه هستی ای حاضر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده،

سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ، تَبَارَكَتَ يَا ذَا الْجَبْرُوتِ وَالْجَلَالِ؛

منزهی تو ای صاحب شکوه و زیبایی، بلندمرتبه هستی ای دارای جبروت و جلال،

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛

منزهی تو، معبودی جز تو نیست، منزهی تو، همانا من از ستمکاران بودم،

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ؛

پس دعایش را اجابت کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و اینچنین اهل ایمان را رهایی بخشیم،

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى [سَيِّدِنَا] مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان او همه و سپاس خدا را پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

جهانیان و خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است، و جنبش و نیرویی نیست،

إِلَّا بِاللَّهِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

جز به عنایت خدای والای بزرگ.

دُعای عید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا

خدا بر پا دارنده عدل و داد گواهی داد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز

بِالْقِسْطِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

گواهند که معبودی جز او نیست هم او که عزتمند و حکمت‌مدار است، همانا دین راستین نزد خدا

الْإِسْلَامُ؛ ﴿وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ، الْعَاصِي الْمُحْتَاجُ

اسلام است و من بنده ناتوان گنهکار و نافرمان نیازمند

الْحَقِيرُ، أَشْهَدُ لِمُنْعَمِي وَخَالِقِي، وَرَازِقِي وَمُكْرَمِي، كَمَا

ناچیز تو گواهی می‌دهم به نعمت‌دهنده و آفریننده و روزی‌بخش و اکرام‌کننده خویش، چنان‌که

دُعایِ عَبدِله

شَهِدَ لِذَاتِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ، بِأَنَّهُ

خود گواهی داد بر یگانگی ذاتش و هم گواهی دادند فرشتگان و صاحبان دانش از بندگانش بر اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، ذُو النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ، وَالْكَرَمِ وَالْإِمْتِنَانِ، قَادِرٌ

معبودی جز او نیست، هم او که صاحب نعمتها و احسان و کرم و بخشش است، آن توانایی

أَزَلِّيٌّ، عَالِمٌ أَبَدِيٌّ، حَيٌّ أَحَدِيٌّ، مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ، سَمِيعٌ بَصِيرٌ،

بی ابتدا دانای بی انتها، زنده یکتا، موجود همیشگی، شنوای بیبا،

مُرِيدٌ كَارِهٌ، مُدْرِكٌ صَمَدِيٌّ، يَسْتَحِقُّ هَذِهِ الصِّفَاتِ، وَهُوَ

خواهان ناخواه، در یابنده بی نیازی، که او شایسته این صفات است و او

عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ، كَانَ قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ

در پرده عز صفات خویش آنگونه است که تنها خود داند توانا بود پیش از پیدایش توانایی

وَالْقُوَّةِ، وَكَانَ عَلِيًّا قَبْلَ اِجْمَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ، لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا اِذْ

و نیرو، و دانا بود پیش از آفریدن دانش و آفرینش، همواره پادشاه بود آنگاه که

لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ، وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ، وَوُجُودُهُ

نه کشوری بود و نه مالی، و همیشه منزّه بود در همه حال، وجودش

قَبْلَ الْقَبْلِ فِي آزَلِ الْأَزَالِ، وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ

پیش از پیش بود در آغاز محض، و بقایش بعد از بعد است بدون جابجایی

وَلَا زَوَالٍ، غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ،

و دگرگونی، توانگر است در آغاز و انجام، بی نیاز است در باطن و ظاهر،

لَا جَوْرَ فِي قَضِيَّتِهِ، وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ، وَلَا ظَلَمَ فِي تَقْدِيرِهِ،

در داوری اش ستمی نیست و در اراده اش انحرافی وجود ندارد، و در تقدیرش بیدادی

وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكُومَتِهِ، وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطْوَاتِهِ، وَلَا مَنَجَى

به چشم نمی خورد، و از حکومتش راه گریزی نیست، و از شدت خشمش پناهگاهی وجود ندارد

مِنْ نِقْمَاتِهِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ اِذَا

و از انتقامش راه نجاتی نمی باشد، رحمتش بر خشمش پیشی گرفت، آن را که بخواهد

طَلَبَهُ، أَزَاحَ الْعِلَلَ فِي التَّكْلِيفِ، وَسَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ

از چنگش نرهد و موانع تکلیف را برطرف ساخته و توفیق را یکسان قرار داده است بین ناتوان

دُعایِ عَدیدَه

وَالشَّرِيفِ ، مَكَنَّ اَدَاءَ المَأمُورِ ، وَسَهَّلَ سَبِيلَ اجْتِنَابِ

و شریف، ممکن نمود ادای وظیفه را و راه دوری جستن از حرام

المَحْظُورِ ، لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ اِلَّا دُونَ الوُسْعِ وَالطَّاقَةِ ؛ سُبْحَانَهُ

راهوار ساخت، طاعت را تکلیف ننمود جز به کمتر از ظرفیت و طاقت، منزّه است

مَا اَبَيْنَ كَرَمَهُ ، وَاعْلَى شَأْنَهُ ؛ سُبْحَانَهُ مَا اَجَلَ نَيْلَهُ ، وَاعْظَمَ

او چه آشکار است کرمش و چه والاتر است مقامش، منزّه است او، چه بزرگ است

اِحْسَانَهُ ، بَعَثَ الانْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ ، وَنَصَبَ الْاَوْصِيَاءَ

عطایش و چه بزرگ است احسانش پیامبران را برانگیخت تا دادگری‌اش را بیان کنند و جانشینان آنان

لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَفَضْلَهُ ، وَجَعَلْنَا مِنْ اُمَّةٍ سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ ، وَخَيْرِ

را بگماشت تا نمایان سازد عطای بی حد و فضلش را و ما از امت سرور انبیاء و بهترین

الْاَوْلِيَاءِ ، وَافْضَلِ الْاَصْفِيَاءِ ، وَاعْلَى الْاَزْكِیَاءِ ، مُحَمَّدٍ صَلَّى

اولیاء و برترین برگزیده‌ها و والاترین پاکان و محمد (درود)

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ؛ اَمْنَا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا اِلَيْهِ ، وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي

خدا بر او و خاندانش) قرار داد. به او ایمان آوردیم و به آنچه ما را بسوی آن دعوت کرد و به قرآنی که

اَنْزَلَهُ عَلَيْهِ ، وَبِوَصِيَّهِ الَّذِي نَصَبَهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ ، وَاَشَارَ بِقَوْلِهِ :

خدا بر او نازل نمود و به جانشینش که در روز غدیر معین کرد و با گفته‌اش به او اشاره نمود و فرمود:

« هَذَا عَلِيٌّ » اِلَيْهِ ، وَاشْهَدُ اَنَّ الْاِمَّةَ الْاَبْرَارَ ، وَالْخُلَفَاءَ الْاَخْيَارَ ، بَعْدَ

« این علی است ». و شهادت می‌دهم که امامان نیکو کردار و جانشینان نیکوکار پس از

الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ ، عَلِيٌّ قَامِعُ الْكُفَّارِ ، وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ اَوْلَادِهِ ،

رسول برگزیده خدا، علی سرکوبگر کافران است و پس از او سرور فرزنداناش

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ اَخُوهُ السَّبِيْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاةِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ ،

حسن بن علی، سپس برادرش نواده پیامبر، پیرو رضای خدا: حسین،

ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيُّ ، ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرٌ ، ثُمَّ الْكَاطِمُ

سپس عبادت کننده علی، سپس باقر محمد، سپس صادق جعفر، سپس کاظم

مُوسَى ، ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ ، ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ ، ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ ، ثُمَّ الزَّكِيُّ

موسی، سپس رضا علی، سپس تقی محمد، سپس نقی علی، سپس زکی

دُعایِ عَکِیدَه

[العَسْكَرِيُّ] الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ، الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ

عسگری حسن، سپس حجت، جانشین برحق، قائم منتظر

[الْمَهْدِيُّ] الْمُرْجَى، الَّذِي بَبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا، وَبِيَمِينِهِ رُزُقَ

مهدی، آن امیدبخشی که به بقایش دنیا باقیست، و از برکتش بندگان روزی

الْوَرَى، وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَبِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ

یافته‌اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است و خدا به وسیله او

الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَشْهَدُ

زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده و شهادت

أَنَّ أَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ، وَامْتِثَالُهُمْ فَرِيضَةٌ، وَطَاعَتُهُمْ مَفْرُوضَةٌ،

می‌دهم که گفتار آنان حجت، و پیروی از آنان واجب و اطاعتشان بایسته،

وَمَوَدَّتُهُمْ لِأَنَّ لَزِمَةً مَقْضِيَّةٌ، وَالْإِقْتِدَاءُ بِهِمْ مُنْجِيَةٌ، وَمُخَالَفَتُهُمْ

و دوستی با آنان لازم و حتم و اقتدای به آنان نجات‌بخش و مخالفتشان

مُرْدِيَةٌ، وَهُمْ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَشَفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ،

سرنگون کننده است، و ایشان سروران همه اهل بهشت و شفیعان روز جزا

وَأَيُّمَةُ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ، وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ،

و امامان اهل زمین بطور یقین، و برترین جانشینان پسندیده،

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَمُسَاءَلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ،

و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و سؤال قبر و برانگیخته شدن حق

وَالنُّشُورَ حَقٌّ، وَالصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ،

و ورود خلاق به محشر و صراط و میزان و حساب حق

وَالكِتَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ حَقٌّ، وَالنَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

و کتاب و بهشت و جهنم همه و همه برحق است و ساعت موعود آمدنی است، هیچ تردیدی

لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. اللَّهُمَّ فَضْلُكَ

در آن نیست و اینکه خدا آنان که در قبرها هستند را برخواهد انگيخت. خدا یا! بخشش

رَجَائِي، وَكَرْمُكَ وَرَحْمَتُكَ أَمَلِي، لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ،

امید من و کرم و رحمتت آرزوی من است، عملی که به آن سزاوار بهشت باشم ندارم

دُعای عَدِيلَة

وَلَا طَاعَةَ لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ، إِلَّا أَنِّي اعْتَقَدْتُ

و طاعتی که به آن شایسته خوشنودی است گردم در پرونده ام نیست، جز اینکه

تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ، وَارْتَجَيْتُ إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ، وَتَشَفَّعْتُ

یگانگی و دادگری را باور دارم، و به احسان و فضلت دل بستم و از محبوبانت:

إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ مِنْ أَحِبَّتِكَ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، وَآرْحَمُ

پیامبر و خاندانش را در بارگاه تو شفیع آوردم و تو کریم ترین کریمانی و مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، الطَّيِّبِينَ

مهربانانی و درود خدا بر پیامبرمان محمد و همه خاندانش آن پاکان

الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا؛ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

و پاکیزگان و سلام بسیار او بر آنان باد، و جنبش و نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي أُوَدِّعُكَ

جز به عنایت خدای والای بزرگ، خدا یا ای مهربان ترین مهربانان، این یقین

يَقِينِي هَذَا وَثَبَاتِ دِينِي، وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدِعٍ، وَقَدْ أَمَرْتَنَا

و استواری در دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتداری، چه تو خود ما را به

بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ، فَرِّدْهُ عَلَيَّ وَقْتِ حُضُورِ مَوْتِي؛ بِرَحْمَتِكَ

حفظ امانتها فرمان دادی، پس این امانت مرا گاه فرار سیدن مرگم به من برگردان، به رحمتت

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید: در دعاهای روایت شده چنین آمده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَعَدِيلِهِ بِهِ هَنَگَامٌ

خدایا! من از عدیله به هنگام مرگ

مَرَّگٌ يَعْنِي عَدُولَ كَرْدَنِ أَزْ حَقِّ بَهْ سَوِي بَاطِلٍ بِهِ گَاهِ جَانِ

دادن، و عدول از حق چنین است که شیطان هنگام مرگ

نزد انسان حاضر می شود و او را وسوسه کرده و نسبت به

دُعای عَدِیلَه

باورهای دینی به شک می‌اندازد، تا جایی که او را از مدار ایمان بیرون کند و به همین دلیل است که در دعاها از این عدول به خدا پناه برده شده. و جناب فخر المحققین رحمته الله چنین فرموده: هر که می‌خواهد از این وسوسه‌های به هنگام مرگ در امان باشد، دلایل ایمان و اصول پنجگانه را با برهانهای قطعی و صفای باطن، در ضمیرش حاضر نموده و آنها را به حق تعالی بسپارد که هنگام مرگ به او بازگرداند، بدینسان که پس از اظهار عقاید بر حق بگوید:

اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي قَدْ أَوَدَعْتُكَ يَقِينِي هَذَا وَثَبَاتِ

خدایا! ای مهربان‌ترین مهربانان همانا من این یقین و استواری

دینی، وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدِعٍ، وَ قَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ،

دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتدار هستی چه تو خود ما را به حفظ امانتها فرمان دادی،

فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَ قَدْ حُضِرَ مَوْتِي.

پس آن را به گاه فرار سیدن مرگم به من بازگردان.

بنا بر گفته فخر المحققین رحمته الله خواندن دعای شریف عدیله و به یاد سپردن معنای آن در ذهن برای به سلامت رستن از خطر «عدیله عند الموت» سودمند است. و اما این دعای مذکور روایت معصوم است یا انشای علمای شیعه؟ باید گفت: بنا بر گواهی عالم برجسته در علم حدیث‌شناسی و بررسی‌کننده روایات و گردآورنده تمام اخبار ائمه

دُعایِ عدیله

دانشمند زبردست و خبره و محدث ناقد و بصیر، شیخنا الاکرم

و المحدث الأعظم مولانا الحاج میرزا حسین نوری «نورالله مرقدہ»

این دعا از معصومین نیست، چنان که فرموده است:

وَأَمَّا دُعَاءُ الْعَدِيلَةِ الْمَعْرُوفُ، فَهُوَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ أَهْلِ

دعای عدیله معروف از نوشته‌های بعضی از اهل

الْعِلْمِ، لَيْسَ بِمَأْثُورٍ، وَلَا مَوْجُودٍ فِي كُتُبِ حَمَلَةِ الْأَحَادِيثِ

علم است و از معصومین (ع) روایت نشده است و در کتابهای حاملان حدیث و نقادان روایت

وَنُقَادِهَا. بَدَانَ كَمَا أَنَّ شَيْخَ طُوسِيٍّ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ دَيْلَمِيٍّ

موجود نیست.

روایت کرده است که به محضر حضرت صادق عليه السلام عرضه

داشتم: شیعیان شما می‌گویند، ایمان بر دو گونه است:

نخستین ایمان مستقرّ و دیگر آن که به امانت نهاده شده و از

بین می‌رود، بنابراین دعایی را به من بیاموز که هر گاه آن را

بخوانم ایمانم کامل شود و از بین نرود، ایشان فرمود پس از

هر نماز واجب بگو:

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا،

خشنودم به اینکه خدا پروردگارم باشد و محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیامبرم،

وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً، وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا

و اسلام آیینم و قرآن کتابم، و کعبه قبله‌ام، و علی ولی

وَإِمَامًا، وَبِالْحُسَيْنِ وَالحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدٍ

و امامم، و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد

دُعایِ عَکِیدَه

بِنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَ عَلِيٍّ بْنِ

بن علی

و جعفر بن محمد

و موسی بن جعفر

و علی بن

مُوسَى ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ،

موسی

و محمد بن علی

و علی بن محمد

و حسن بن علی

وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، أئِمَّةً . اللَّهُمَّ إِنِّي

و حجة بن الحسن

که درود خدا بر همه آنان باد پیشوایانم باشند.

خدا یا!

رَضِيْتُ بِهِمْ أئِمَّةً ، فَارْضَنِي لَهُمْ ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

خشنودم به اینکه آنان امامانم باشند، پس مرا مورد پسند و خشنودی ایشان قرار ده زیرا تو بر هر کاری توانایی.

دُعای جوشن کبیر

دُعای جوشن کبیر

این دعا در کتابهای بلد الامین و مصباح کفعمی آمده، از حضرت سید الساجدین علیه السلام، از پدر ایشان از جد بزرگوارش حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: این دعا را جبرئیل برای آن حضرت در یکی از جنگها فرود آورد، درحالی که زره سنگینی بر تن آن جناب بود به گونه‌ای که سنگینی آن بدن مبارک آن حضرت را به درد آورده بود. جبرئیل عرضه داشت: یا محمد پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این جوشن (زره) را از تن خود بیرون کن و این دعا را بخوان که برای تو و امتت موجب ایمنی است. سپس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که اینجا جای بیان تمام آن نیست ولی به برخی از آن اشاره می‌کنیم از جمله آنکه هر که آن را بر کفش بنویسد، خدا به احترام آن او را به آتش نمی‌افکند و هر که آن را در اول ماه رمضان با نیت خالص و دلی پاک بخواند، حق تعالی بهره‌مندی را روزی او می‌کند، و برای وی هفتاد هزار فرشته می‌آفریند که خدا را تسبیح و تقدیس کنند و ثوابش را برای او قرار دهند. در ادامه نیز فضیلت زیادی نقل کرده تا آنکه

دُعای جوشن کبیر

فرمود: هر که آن را در ماه رمضان سه بار بخواند، خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام می کند، و بهشت را برای او واجب می گرداند، و دو فرشته را بر او می گمارد تا او را از گناهان حفظ کنند، و در طول زندگی خود در امان خدا باشد و در پایان روایت آمده: امام حسین علیه السلام فرمود: پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام به حفظ این دعا وصیت کرد، و نیز اینکه آن را بر کفن ایشان بنویسم و به اهل خود تعلیم دهم و آنان را به خواندنش ترغیب نمایم.

این دعا مشتمل بر هزار نام از نامهای خدا است و اسم اعظم نیز در آن است.

فقیر گوید: از این روایت دو نکته استفاده می شود، اول: استحباب نوشتن این دعا بر کفن چنان که علامه بحر العلوم (عطرالله مرقده) در کتاب «الدرة» به آن اشاره فرموده است:

وَسُنَّ أَنْ يُكْتَبَ بِالْأَكْفَانِ شَهَادَةُ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ

و هم بر ایمان

گواه بر اسلام

نوشتن بر اکفان

شد مستحب

وَهَكَذَا كِتَابَةُ الْقُرْآنِ وَالْجَوْشَنِ الْمَنْعُوتِ بِالْأَمَانِ

امن و امان

و جوشن آن دعای

کتاب قرآن

و هم نوشتن

دوّم: استحباب خواندن این دعا در اوّل ماه رمضان. و امّا درباره قرائت آن در خصوص شبهای قدر باید گفت، ذکری

دُعای جوشن کبیر

از آن در این روایت نیامده است، ولی علامه مجلسی قدس
الله روحه در کتاب «زاد المعاد» آن را در ضمن اعمال
شبهای قدر ذکر نموده است و در پاره‌ای از روایات نیز وارد
شده که دعای «جوشن کبیر» را در هر یک از شبهای قدر
بخوانند. و برای ما در این مقام فرمایش علامه مجلسی **أَحَلَّهُ**
اللَّهُ دَارَ السَّلَامِ کافی است.

در هر صورت این دعا مشتمل بر صد بند است، و هر بندی
مشتمل بر ده نام از نام‌های خداست که در آخر هر بند باید
گفت:

سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ، خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ

منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس فریادرس، ما را از آتش برهان

يَا رَبِّ. و در کتاب «بلد الامین» آمده است که در آغاز هر

ای پروردگار

بند **«بِسْمِ اللَّهِ»** بگوید و در آخرش: **سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛**

منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست،

الْغَوْثَ الْغَوْثَ! صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ

فریادرس فریادرس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را ای پروردگار از آتش

يَا رَبِّ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

رهایی بخش، ای سرچشمه هیبت و کرامت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

و آن دعا این است:

دُعای جوشن کبیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

﴿۱﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسْمِکَ یَا اَللّٰهُ، یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ، یَا کَرِیْمُ

(۱) خدا یا از تو خواستارم به نامت، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای گرامی،

یَا مُقِیْمُ، یَا عَظِیْمُ یَا قَدِیْمُ، یَا عَلِیْمُ یَا حَلِیْمُ یَا حَکِیْمُ؛ سُبْحٰنَکَ

ای پایدار، ای بزرگ، ای دیرینه ای دانا، ای شکیبا، ای فرزانه، منزّهی تو

یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ؛ اَلْغَوْثُ اَلْغَوْثُ ! خَلِّصْنَا مِنْ النَّارِ یَا رَبِّ .

ای که معبودی جز تو نیست، فریاد رس فریاد رس، ما را از آتش برهان ای پروردگار من.

﴿۲﴾ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ، یَا مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ، یَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ،

(۲) ای سرور سروران، ای برآورنده دعاها، ای بلندبخش جایگاهها،

یَا وَوَلِیَّ الْحَسَنَاتِ، یَا غَافِرَ الْخَطِیْئَاتِ، یَا مُعْطِیَ الْمَسْأَلَاتِ،

ای سرچشمه نیکیهها، ای درگذرنده از خطاها، ای عطابخش خواستهها،

یَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ، یَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، یَا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ، یَا دَافِعَ

ای پذیرنده توبهها، ای شنونده نداها، ای دانای رازها، ای دور کننده

الْبَلِیَّاتِ . ﴿۳﴾ یَا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ، یَا خَیْرَ الْفَاتِحِیْنَ، یَا خَیْرَ

بلاها (۳) ای بهترین آمرزگاران، ای بهترین گشایشگران، ای بهترین

النَّاصِرِیْنَ، یَا خَیْرَ الْحَاسِکِیْنَ، یَا خَیْرَ الرَّازِقِیْنَ، یَا خَیْرَ

یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی دهنان، ای بهترین

الوَارِثِیْنَ، یَا خَیْرَ الْحَامِدِیْنَ، یَا خَیْرَ الذَّاكِرِیْنَ، یَا خَیْرَ الْمُنْزِلِیْنَ،

وارثان، ای بهترین ستایشگران، ای بهترین یادآوران، ای بهترین عطابخشان،

یَا خَیْرَ الْمُحْسِنِیْنَ . ﴿۴﴾ یَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ، یَا مَنْ لَهُ

ای بهترین نیکوکاران (۴) ای آن که شکوه و زیبایی تنها از آن اوست

الْقُدْرَةُ وَالْکَمَالُ، یَا مَنْ لَهُ الْمُلْکُ وَالْجَلَالُ، یَا مَنْ هُوَ الْکَبِیْرُ

ای آن که توانایی و برازندگی تنها از آن اوست، ای آن که فرمانروایی و شوکت تنها از آن اوست، ای آنکه اوست بزرگ

الْمُتَعَالِ، یَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ، یَا مَنْ هُوَ شَدِیْدُ الْمِحَالِ،

و برتر، ای پدیدآورنده ابرهای پر باران، ای آن که نیرومند و پرتوان است،

دُعای جوشن کبیر

يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ، يَا مَنْ

ای آن که حسابرسی چالاک است، ای آن که کیفرش سخت و شدید است، ای آن که

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ، يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ . ﴿٥﴾

پاداش نیک تنها نزد اوست، ای آن که دفتر هستی پیش روی اوست (۵)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ يَا حَنَّانُ ، يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ ، يَا بُرْهَانَ

خدا یا! از تو خواستارم به نامت ای پر مهر، ای بخشایشگر، ای جزادهنده، ای روشنی خرد،

يَا سُلْطَانَ ، يَا رِضْوَانَ يَا غُفْرَانَ ، يَا سُبْحَانَ يَا مُسْتَعَانَ ،

ای فرمانروا، ای خشنودی، ای آمرزش، ای پاک، ای پشتوانه،

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْبَيَانِ . ﴿٦﴾ يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِظْمَتِهِ ،

ای صاحب نعمت و بیان (۶) ای آن که همه در برابر عظمتش فروتن،

يَا مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ ، يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ ،

ای آن که همه در برابر قدرتش تسلیم، ای آن که همه در برابر عزتش خوار،

يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ

ای آن که همه در برابر هیبتش هراسان، ای آن که همه از ترسش

خَشِيْتَهُ ، يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ ، يَا مَنْ قَامَتِ

فرمانبردار، ای آن که کوهها از بیمش شکافته، ای آن که

السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ ، يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ ، يَا مَنْ

آسمانها به امرش بر پا، ای آن که زمینها به اجازه‌اش بر جا، ای آن که رعد به ستایشش

يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ ، يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ . ﴿٧﴾

تسبیح گو است، ای آن که بر اهل مملکتش ستم نمی کند (۷)

يَا غَافِرَ الْخَطَايَا ، يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا ، يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا ، يَا مُجْزِلَ

ای درگذرنده از خطاها، ای برطرف کننده بلاها، ای اوج امیدواریها، ای بسیاردهنده

الْعَطَايَا ، يَا وَاهِبَ الْهُدَايَا ، يَا رَازِقَ الْبَرَايَا ، يَا قَاضِيَ الْمُنَايَا ،

عطاها، ای بخشنده هدایا، ای روزی رسان آفریده‌ها، ای برآورنده آرزوها،

يَا سَامِعَ الشُّكَايَا ، يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا ، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي . ﴿٨﴾

ای شنوای گلاجه‌ها، ای برانگیزنده بندگان، ای بندگشای دربندان (۸)

دُعای جوشن کبیر

يَا ذَا الْحَمْدِ وَ الثَّنَاءِ ، يَا ذَا الْفَخْرِ وَ الْبَهَاءِ ، يَا ذَا الْمَجْدِ وَ السَّنَاءِ ،

ای صاحب سپاس و ستایش، ای صاحب فخر و زیبایی، ای صاحب بزرگواری و والایی،

يَا ذَا الْعَهْدِ وَ الْوَفَاءِ ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضَاءِ ، يَا ذَا الْمَرْبِّ وَ الْعَطَاءِ ،

ای صاحب پیمان و وفا، ای صاحب گذشت و رضا، ای صاحب بخشش و عطاء،

يَا ذَا الْفَصْلِ وَ الْقَضَاءِ ، يَا ذَا الْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ ، يَا ذَا الْجُودِ

ای صاحب دادرسی و داوری، ای صاحب عزت و بقا، ای صاحب

وَ السَّخَاءِ ، يَا ذَا الْآلَاءِ وَ النِّعْمَاءِ . ﴿٩﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

کرم و بخشش، ای صاحب عطاها و نعمتها (٩) خدایا از تو خواستارم

بِسْمِكَ ، يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ ، يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ ، يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ ، يَا جَامِعُ

به نامت ای بازدارنده، ای دور کننده، ای بردارنده، ای سازنده، ای سودبخش، ای شنوا، ای گرد آورنده،

يَا شَافِعُ ، يَا وَاسِعُ يَا مُوسِعُ . ﴿١٠﴾ يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ ،

ای یاریگر، ای مهر گستر، ای وسعت بخش. (١٠) ای سازنده هر ساخته،

يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ ، يَا مَالِكَ كُلِّ

ای آفریننده هر آفریده، ای روزی بخش هر روزی خوار، ای دارای هر

مَمْلُوكٍ ، يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ ، يَا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ ،

دارایی، ای غمگسار هر غمزده، ای فرج بخش هر اندوهگین،

يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ ، يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ ،

ای مهرورز بر هر مهرجو، ای یاور هر بی یاور، ای پرده پوش هر کاستی،

يَا مَلَجًا كُلِّ مَطْرُودٍ . ﴿١١﴾ يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، يَا رَجَائِي

ای پناه هر رانده. (١١) ای توشه ام در سختی، ای امیدم

عِنْدَ مُصِيبَتِي ، يَا مُوْنِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي ، يَا صَاحِبِي عِنْدَ

در ناگواری، ای همدم در وحشت، ای همدم در

غُرْبَتِي ، يَا وَليِّي عِنْدَ نِعْمَتِي ، يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، يَا دَلِيلِي

غربت ای سرپرستم در نعمت، ای فریاد رسم در گرفتاری، ای

عِنْدَ حَيْرَتِي ، يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي ، يَا مَلَجَّتِي عِنْدَ

رهنمایم در سرگردانی، ای توانگری ام در تنگدستی، ای پناهم در

دُعایِ جوشن کبیر

اضْطِرَّارِی، یا مُعِیْنِ عِنْدَ مَفْرَعِی. ﴿۱۲﴾ یا عَلَّامَ الْغُیُوبِ،

درماندگی، ای مدد رسانم در پریشانی (۱۲) ای دانای نهانها،

یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، یا سِتَّارَ الْعُیُوبِ، یا کَاشِفَ الْکُرُوبِ،

ای آمرزنده گناهان، ای پرده پوش عیبها، ای غمگسار غمها،

یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، یا طَیِّبَ الْقُلُوبِ، یا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ،

ای دگرگون ساز دلها، ای پزشک قلبها، ای روشنی بخش دلها،

یا اَنِیسَ الْقُلُوبِ، یا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، یا مُنَفِّسَ الْغُمُومِ.

ای همدم جانها، ای گره گشای اندوهها، ای گشایشگر دلتنگیها

﴿۱۳﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسَمِکَ، یا جَلِیْلُ یا جَمِیْلُ، یا وَکِیْلُ

(۱۳) خدا یا! از تو درخواست می کنم به نامت ای والا، ای زیبا، ای کارگشا،

یا کَفِیْلُ، یا دَلِیْلُ یا قَبِیْلُ، یا مُدِیْلُ یا مُنِیْلُ، یا مُقِیْلُ یا مُحِیْلُ.

ای سرپرست، ای راهنما، ای پذیرا، ای گرداننده، ای عطابخش، ای درگذرنده، ای حال گردان

﴿۱۴﴾ یا دَلِیْلَ الْمُتَحَرِّیْنَ، یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ، یا صَرِیْحَ

(۱۴) ای رهنمای رهجویان، ای مدد رس مددجویان، ای فریاد رس

المُسْتَصْرِحِیْنَ، یا جَارَ الْمُسْتَجِیْرِیْنَ، یا اَمَانَ الْخَائِفِیْنَ، یا عَوْنَ

فریادکنان، ای پناه پناهندگان، ای ایمنی بخش هراسندگان، ای یاور

المُؤْمِنِیْنَ، یا رَاحِمَ الْمَسَاكِیْنِ، یا مَلَجَا الْعَاصِیْنَ، یا غَافِرَ

مؤمنان، ای مهرورز بر خاک نشستگان، ای پناه عصیانگران، ای آمرزنده

الْمُذْنِبِیْنَ، یا مُجِیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ. ﴿۱۵﴾ یا ذَا الْجُودِ

گناهکاران، ای اجابت کننده دعای بیچارگان. (۱۵) ای صاحب جود

وَالْإِحْسَانِ، یا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ، یا ذَا الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ،

و نیکی، ای صاحب بخشش و عطا، ای صاحب امن و امان،

یا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ، یا ذَا الْحِکْمَةِ وَالْبَیَانِ، یا ذَا الرَّحْمَةِ

ای صاحب قدس و پاکی، ای صاحب حکمت و بیان، ای صاحب رحمت

وَالرِّضْوَانِ، یا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ، یا ذَا الْعِظْمَةِ وَالسُّلْطَانِ،

و رضوان، ای صاحب حجّت و برهان، ای صاحب عظمت و سلطان،

دُعای جوشن کبیر

يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانَ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ . ﴿١٦﴾ يَا مَنْ

ای صاحب مهر و ای پشتیبان، ای صاحب گذشت و غفران (۱۶) ای آن

هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ

که پروردگار همه اوست، ای آن که معبود همه، اوست، ای آن که آفریننده

كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ

همه، اوست ای آن که سازنده همه، اوست، ای آن که پیش از همه بود،

شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ،

ای آن که بعد از همه هست، ای آن که از هر چیز برتر است،

يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ،

ای آن که به همه چیز داناست، ای آن که بر هر چیز توانا است،

يَا مَنْ هُوَ يَبْقَىٰ وَيَفْنَىٰ كُلَّ شَيْءٍ . ﴿١٧﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

ای آن که او همیشگی است و همه چیز رفتنی است. (۱۷) خدایا! از تو می خواهم

بِسْمِكَ، يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمِنُ، يَا مُكَوِّنُ يَا مُلْقِنُ، يَا مُبَيِّنُ

به نامت ای ایمنی بخش، ای چیره بر همه، ای هستی آفرین، ای دلبر، ای خرد ربا،

يَا مُهَوِّنُ، يَا مُمَكِّنُ يَا مُزَيِّنُ، يَا مُعَلِّنُ يَا مُقَسِّمُ . ﴿١٨﴾ يَا مَنْ

ای سادگی بخش، ای توان ده، ای زینت بخش، ای نمایانگر، ای پخش کن. (۱۸) ای آن

هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي

که در فرمانروایی اش پابرجاست ای آن که در پادشاهی اش دیرینه است، ای آن که در

جَلَالِهِ عَظِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلَىٰ عِبَادِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ

شکوهش بزرگ است، ای آن که بر بندگانش مهربان است، ای آن که به هر

شَيْءٍ عَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ

چیز داناست، ای آن که بر نافرمانان بردبار است، ای آن که بر امیدواران

كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ

اکرام ورزد، ای آن که در آفرینش حکمت نماید، ای آن که در حکمتش

لَطِيفٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ . ﴿١٩﴾ يَا مَنْ لَا يُرْجَىٰ

مهر ورزد، ای آن که در مهرش دیرینه است. (۱۹) ای آن که جز به

دُعای جوشن کبیر

إِلَّا فَضْلُهُ ، يَا مَنْ لَا يُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ ، يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بِرُّهُ ،

فضلش امید نیست، ای آن که جز عفوش خواہش نشود، ای آن که جز به نیکی اش چشم ندوزند،

يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ ، يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ ، يَا مَنْ

ای آن که جز از دادش نهراسند، ای آن که پایدار نماند جز فرمانروایی اش، ای آن که

لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ ، يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ ،

جز سلطنتش سلطنتی نیست، ای آن که رحمتش همه را فرا گرفته،

يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ ،

ای آن که رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، ای آن که دانشش همه را فرو گرفته،

يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ . ﴿٢٠﴾ يَا فَارِجَ الْهَمِّ ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ ،

ای آن که هیچکس همانندش نیست. (۲۰) ای گشاینده آندوه، ای برطرف کننده غم،

يَا غَافِرَ الذَّنْبِ ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ ، يَا خَالِقَ الْخَلْقِ ، يَا صَادِقَ الْوَعْدِ ،

ای آمرزنده گناه، ای پذیرنده توبه، ای آفریننده آفریدگان، ای راست وعده،

يَا مُوَفِّيَ الْعَهْدِ ، يَا عَالِمَ السِّرِّ ، يَا فَالِقَ الْحَبِّ ، يَا رَازِقَ الْأَنْامِ .

ای وفادار به پیمان، ای دانای راز نهمان، ای شکافنده دانه، ای روزی دهنده بندگان.

﴿٢١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ ، يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ ، يَا غَنِيُّ

(۲۱) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای والا، ای وفادار، ای توانگر،

يَا مَلِيُّ ، يَا حَفِيُّ يَا رَضِيُّ ، يَا زَكِيُّ يَا بَدِيُّ ، يَا قَوِيُّ يَا وَلِيُّ .

ای امان ده، ای پرمهر، ای خشنود، ای پاک، ای نمایان، ای پرتوان، ای فیض بخش.

﴿٢٢﴾ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ ، يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ ، يَا مَنْ

(۲۲) ای آن که زیبایی را پدیدار نمودی، ای آن که زشتی را پوشاندی ای آن که

لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجُرَيْرَةِ ، يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ ،

بر گناه سرزنش نکردی، ای آن که پرده درنی نمودی، ای که گذشتت بزرگ،

يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

ای که نیکو درگذری، ای آمرز گانیت فراگیر، ای دستت

بِالرَّحْمَةِ ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى . ﴿٢٣﴾

به مهر گشوده، ای شنوای هر نجوا، ای سرانجام هر گلایه (۲۳)

دُعای جوشن کبیر

يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ الوَاسِعَةِ، يَا ذَا المِنَّةِ السَّابِقَةِ،

ای دارای نعمت فراوان، ای دارای رحمت فراگیر، ای دارای بخشش آغازین،

يَا ذَا الحِكْمَةِ البَالِغَةِ، يَا ذَا القُدْرَةِ الكَامِلَةِ، يَا ذَا الحُجَّةِ

ای دارای حکمت رسا، ای دارای نیروی برازنده، ای دارای برهان

القَاطِعَةِ، يَا ذَا الكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ، يَا ذَا العِزَّةِ الدَّائِمَةِ، يَا ذَا

قطعی، ای دارای کرامت هویدا، ای دارای عزت پایدار، ای دارای

القُوَّةِ المَتِينَةِ، يَا ذَا العِظْمَةِ المُنِيَعَةِ ﴿٢٤﴾ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ،

توان استوار، ای دارای عظمت بلندپایه. (٢٤) ای پدیدآورنده آسمانها

يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ، يَا رَاحِمَ العِبْرَاتِ، يَا مُقِيلَ العَثْرَاتِ،

ای برنهنده تاریکیها، ای رحم کننده اشکهای ریزان، ای درگذرنده از لغزشها،

يَا سَاتِرَ العُورَاتِ، يَا مُحْيِيَ الأَمْوَاتِ، يَا مُنْزِلَ الآيَاتِ،

ای پوشنده زشتیها، ای زندگی بخش مردگان، ای فرودآور آیات،

يَا مُضَعِّفَ الحَسَنَاتِ، يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ، يَا شَدِيدَ النِّقْمَاتِ.

ای دوچندان کن خوبیها، ای ناپدید کننده بدیها، ای سخت شکنجه.

﴿٢٥﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ، يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ، يَا مُدَبِّرُ

(٢٥) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای صورتگر، ای سنجیده کار، ای گرداننده،

يَا مُطَهِّرُ، يَا مُنَوِّرُ يَا مُيَسِّرُ، يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ، يَا مُقَدِّمُ

ای پاک کننده، ای روشنی بخش، ای ساده ساز، ای مزه ده، ای بیم ده، ای پیش آور،

يَا مُؤَخِّرُ ﴿٢٦﴾ يَا رَبَّ البَيْتِ الحَرَامِ، يَا رَبَّ الشَّهْرِ الحَرَامِ،

ای پس آور. (٢٦) ای پروردگار خانه محترم، ای پروردگار ماه محترم،

يَا رَبَّ البَلَدِ الحَرَامِ، يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالمَقَامِ، يَا رَبَّ المَشْعَرِ

ای پروردگار شهر محترم، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار مشعر الحرام،

الحَرَامِ، يَا رَبَّ المَسْجِدِ الحَرَامِ، يَا رَبَّ الحِلِّ وَالحَرَامِ، يَا رَبَّ

ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال و حرام، ای پروردگار

النُّورِ وَالظُّلَامِ. يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، يَا رَبَّ القُدْرَةِ فِي

روشنی و تاریکی، ای پروردگار تحیت و سلام، ای پرورنده نیرو در

دُعای جوشن کبیر

الْآنَامِ . ﴿٢٧﴾ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ ، يَا أَصْدَقَ

مردمان. (۲۷) ای داورترین داوران، ای دادگرترین دادگران، ای راستگوترین

الصَّادِقِينَ ، يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ ، يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ، يَا أَسْرَعَ

راستگویان، ای پاکترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای جابکترین

الْحَاسِبِينَ ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، يَا أَشْفَعَ

حسابگران، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای یاورترین

الشَّافِعِينَ ، يَا أَكْرَمَ الْكَرَمِينَ . ﴿٢٨﴾ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ ،

یاوران، ای گرامی‌ترین گرامیان. (۲۸) ای تکیه‌گاه آن که تکیه‌گاه ندارد،

يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ ، يَا حِرْزَ مَنْ

ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد، ای اندوخته آن که اندوخته‌ای ندارد، ای پناه آن که

لَا حِرْزَ لَهُ ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ ، يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ ،

پناهی ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای افتخار آن که افتخاری ندارد،

يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ ، يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ ، يَا أُنَيْسَ مَنْ

ای عزت آن که عزتی ندارد، ای مدد رسان آن که مددی ندارد، ای همدم آن

لَا أُنَيْسَ لَهُ ، يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ . ﴿٢٩﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

که همدمی ندارد، ای ایمنی بخش آن که ایمنی ندارد (۲۹) خدایا! از تو می‌خواهم

بِسْمِكَ ، يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ ، يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ ، يَا سَالِمُ يَا حَاسِمُ ،

به نامت ای نگهدار، ای پایدار، ای پاینده، ای مهرورز، ای سلامتی بخش، ای داور،

يَا عَالِمُ يَا قَاسِمُ ، يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ . ﴿٣٠﴾ يَا عَاصِمَ مَنْ

ای دانایان، ای بخش کن، ای بازگیر، ای فراخی بخش. (۳۰) ای نگهدار آن که

اسْتَعَصَمَهُ ، يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ ، يَا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ ،

از او نگهداری جوید، ای مهربان بر آن که از او مهر جوید، ای آمرزنده آن که از او آمرزش خواهد

يَا نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ ، يَا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ ، يَا مُكْرَمَ

ای یاور آن که از او یاری طلبد، ای حافظ آن که از او حفاظت خواهد، ای اکرام کننده

مَنْ اسْتَكْرَمَهُ ، يَا مُرْشِدَ مَنْ اسْتَرْشَدَهُ ، يَا صَرِيحَ مَنْ

آن که از او اکرام خواهد، ای راهنمای آن که از او راهنمایی جوید، ای دادرس آن که از او

دُعای جوشن کبیر

اَسْتَصْرِخُهُ ، یا مُعِينَ مَنْ اَسْتَعَانَهُ ، یا مُغِيثَ مَنْ اَسْتَعَاثَهُ .

دادرسی خواهد، ای مددیار آن که از او مدد جوید، ای فریادرس آن که از او فریادرسی خواهد

﴿۳۱﴾ یا عَزِيْزًا لَا يُضَامُ ، یا لَطِيْفًا لَا يُرَامُ ، یا قَيَّوْمًا لَا يَنَامُ ،

(۳۱) ای عزیز که خوار نگردد، ای لطیفی که دست اندازی نشود، ای پایداری که خواب او را در نیابد،

یا دَائِمًا لَا يَفُوْتُ ، یا حَيًّا لَا يَمُوْتُ ، یا مَلِكًا لَا يَزُولُ ، یا باقِيًّا

ای پاینده‌ای که فنا نپذیرد، ای زنده‌ای که نمی‌میرد، ای پادشاهی که از بین نمی‌رود، ای همیشگی

لَا يَفْنَى ، یا عَلِيًّا لَا يَجْهَلُ ، یا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ ، یا قَوِيًّا

که فانی نمی‌شود، ای دانایی که نادانی ندارد، ای بی‌نیازی که خوراک نخواهد، ای توانایی که

لَا يَضْعَفُ . ﴿۳۲﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسَمِيْكَ ، یا اَحَدًا یا وَاَحِدًا ،

ناتوان نمی‌گردد (۳۲) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای یکتا، ای یگانه،

یا شَاهِدًا یا مَاجِدًا ، یا حَامِدًا یا رَاشِدًا ، یا باعِثًا یا وَاوْرَثًا ، یا ضَارًّا

ای گواه، ای بزرگوار، ای ستایش‌پذیر، ای راهنما ای برانگیزنده، ای میراث‌برنده، ای زبان‌رسان،

یا نَافِعًا . ﴿۳۳﴾ یا اَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيْمٍ ، یا اَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيْمٍ ،

ای سودبخش (۳۳) ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، از هر کریم‌تر از هر کریم،

یا اَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحِيْمٍ ، یا اَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِيْمٍ ، یا اَحْكَمَ مِنْ

ای مهربان‌تر از هر مهربان، از هر داناتر از هر دانا، ای فرزانه‌تر

كُلِّ حَكِيْمٍ ، یا اَقْدَمَ مِنْ كُلِّ قَدِيْمٍ ، یا اَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيْرٍ ،

از هر فرزانه، ای دیرینه‌تر از هر دیرینه، ای بزرگ‌تر از هر بزرگ،

یا اَلطَّفَ مِنْ كُلِّ لَطِيْفٍ ، یا اَجَلَ مِنْ كُلِّ جَلِيْلٍ ، یا اَعَزَّ مِنْ

ای لطیف‌تر از هر لطیف، ای باشکوه‌تر از هر باشکوه، ای عزیزتر

كُلِّ عَزِيْزٍ . ﴿۳۴﴾ یا كَرِيْمَ الصَّفْحِ ، یا عَظِيْمَ الْمَرْبِ ، یا كَثِيْرَ

از هر عزیز. (۳۴) ای گذشتت کریمانه، ای نعمت بزرگ، ای خیرت

الْحَيْرِ ، یا قَدِيْمَ الْفَضْلِ ، یا دَائِمَ اللَّطْفِ ، یا لَطِيْفَ الصُّنْعِ ،

بسیار، ای فضلت دیرینه، ای لطفت همیشگی، ای صنعت چشم‌نواز،

یا مُنْفَسَّ الْكَرْبِ ، یا كَاشِفَ الضُّرِّ ، یا مَالِكَ الْمَلِكِ ، یا قَاضِيَ

ای گره‌گشای گرفتاری، ای بردارنده زیان، ای پادشاه هستی، ای داور

دُعایِ جوشن کبیر

الْحَقِّ. ﴿٣٥﴾ يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِيَّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ

بر حق، (۳۵) ای آن که در پیمانش وفادار است، ای آن که در وفاداری اش

قَوِيٌّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلِيٌّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي عُلوِّهِ قَرِيبٌ ،

پایدار است، ای آن که در پایداری اش والاست، ای آن که در والایی اش نزدیک است،

يَا مَنْ هُوَ فِي قَرْبِهِ لَطِيفٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ ، يَا مَنْ

ای آن که در نزدیکی اش با نرمی است، ای آن که در نرمی اش شریف است، ای آن که

هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي

در شرفش با عزت است، ای آن که در عزتش بزرگ است، ای آن که

عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ. ﴿٣٦﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

در بزرگی اش شکوهمند است، ای آن که در شکوهش ستوده است. (۳۶) خدا یا! از تو

اَسْأَلُكَ بِسَمِّكَ ، يَا كَافِيَّ يَا شَافِيَّ ، يَا وَافِيَّ يَا مُعَافِيَّ ، يَا هَادِيَّ

در خواست می کنم به نامت ای بسنده، ای درمان بخش، ای وفادار، ای تندرستی ده ای

يَا دَاعِيَّ ، يَا قَاضِيَّ يَا رَاضِيَّ ، يَا عَالِيَّ يَا بَاقِيَّ. ﴿٣٧﴾ يَا مَنْ كُلُّ

راهنما، ای به نیکی خوان، ای داور، ای خشنود، ای بلندمرتبه، ای ماندگار. (۳۷) ای آن که

شَيْءٍ خَاضِعٌ لَّهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَّهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ

هر چیز برایش فروتن است، ای آن که هر چیز از او هراسان است، ای آن که هستی هر چیز

كَائِنٌ لَّهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ

از او است، ای آن که هر چیز به او پدیدار است، ای آن که هر چیز به سوی او بازگشت

إِلَيْهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ ،

کند، ای آن که هر چیز از او ترسان است، ای آن که هر چیز به او بر پاست،

يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ،

ای آن که هر چیز به سوی او دگرگون می شود، ای آن که هر چیز به ستایش او تسبیح گو است،

يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ. ﴿٣٨﴾ يَا مَنْ لَا مَفْرَأَ إِلَّا

ای آن که هر چیز جز جلوه اش نابود است (۳۸) ای آن که گریزگاهی نیست جز

إِلَيْهِ ، يَا مَنْ لَا مَفْرَعَ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ

به بارگاهش، ای آن که پناهی جز به درگاهش نیست، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست، ای آن

دُعای جوشن کبیر

لَا مَنجِي مِنْهُ إِلَّا إِلَهِ، يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا حَوْلَ

که از خشمش رهایی نیست جز به مهرش، ای آن که جز به سوی او میلی نیست، ای آن که جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ

و نیرویی نیست جز به او، ای آن که جز از او مدد نجویند، ای آن که جز بر او توکل نشود، ای آن که

إِلَّا عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا هُوَ. ﴿٣٩﴾

جز به او امیدوی نیست، ای آن که جز او پرستیده نشود. (۳۹)

يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ،

ای بهترین هراس انگیزان، ای بهترین شوق آفرینان، ای بهترین جویاشدگان،

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ، يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ،

ای بهترین پاسخ دهنان، ای بهترین قصدشدگان، ای بهترین یادشدگان،

يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَدْعُوعِينَ،

ای بهترین ستودگان، ای بهترین دلبران، ای بهترین خواندگان،

يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ. ﴿٤٠﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسِمَتِكَ، يَا غَافِرُ

ای بهترین همدمان. (۴۰) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای آمرزگار،

يَا سَاتِرُ، يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ، يَا فَاطِرُ يَا كَاسِرُ، يَا جَابِرُ يَا ذَاكِرُ،

ای پرده پوش، ای توانا، ای چیره، ای آفریننده ای شکننده، ای شکسته بند، ای یادآور،

يَا نَاطِرُ يَا نَاصِرُ. ﴿٤١﴾ يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى، يَا مَنْ قَدَّرَ

ای بینا، ای یاور. (۴۱) ای آن که آفرید پس متناسب نمود، ای آن که اندازه

فَهَدَى، يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوَى، يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى،

نهاد پس رهنمون شد ای آن که بلا را برگیرد، ای آن که زمزمه نهران را بشنود،

يَا مَنْ يُنْقِذُ الْعَرَقِيَّ، يَا مَنْ يُنْجِي الْهَلَكِيَّ، يَا مَنْ يَشْفِي

ای آن که غرق شدگان را برهاند، ای آن که از نابودی رهایی بخشد، ای آن که بیماران را

الْمَرَضِيَّ، يَا مَنْ أَصْحَكَ وَأَبَكِيَّ، يَا مَنْ أَمَاتَ وَأَحْيَا، يَا مَنْ

شفا دهد. ای آن که خندان و گریانند، ای آن که میراند که میراند

خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى. ﴿٤٢﴾ يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و زنده کند، ای آن که دوگونه مرد و زن آفرید. (۴۲) ای آن که در خشکی و دریا

دُعای جوشن کبیر

سَبِيلُهُ ، يَا مَنْ فِي الْأَفَاقِ آيَاتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ ،

راه اوست، ای آن که در کرانه‌های هستی نشانه‌های اوست، ای آن که در نشانه‌هایش برهان روشن اوست،

يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ ، يَا مَنْ فِي

ای آن که در مرگ آفریدگان قدرت‌نمایی اوست، ای آن که در قبرها پندآموزی اوست، ای آن که در

الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ ، يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ

رستخیز فرمانروایی بی‌حدا اوست، ای آن که در حسابرسی اعمال شکوه اوست، ای آن که در سنجش کردارها

قَضَائِهِ ، يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ ، يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ . ﴿٤٣﴾

داوری اوست، ای آن که در بهشت پاداش اوست، ای آن که در دوزخ کیفر اوست (۴۳)

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ ،

ای آن که هراسندگان به درگاه او گریزند، ای آن که گنهکاران به سوی او پناه برند،

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُتَيْبُونَ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ ،

ای آن که پشیمانان آهنگ او کنند، ای آن که پارسایان به او میل نمایند،

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ ، يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ ،

ای آن که سرگشتگان به او پناه برند، ای آن که ارادتمندان به او انس گیرند،

يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ ، يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ ،

ای آن که شیفتگان به او افتخار کنند، ای آن که خطاکاران در عفویش طمع ورزند،

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ ، يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ .

ای آن که یقین‌یافتگان به سوی او آرام گیرند، ای آن که توکل‌کنندگان بر او توکل کنند.

﴿٤٤﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسِمِكَ ، يَا حَبِيبُ يَا طَيِّبُ ،

(۴۴) خدا یا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای دوست‌داشتنی، ای شفابخش،

يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ ، يَا حَسِيبُ يَا مُهَيْبُ ، يَا مُثِيبُ يَا مُجِيبُ ،

ای نزدیک، ای دیده‌بان، ای حسابرس، ای هراس‌انگیز، ای پاداش‌ده، ای اجابت‌کننده،

يَا خَيْرُ يَا بَصِيرُ . ﴿٤٥﴾ يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ ، يَا أَحَبَّ مِنْ

ای آگاه‌ترین، ای بینا، (۴۵) ای نزدیک‌تر از هر نزدیک، ای محبوب‌تر از

كُلِّ حَبِيبٍ ، يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ ، يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ ،

هر محبوب، ای بیناتر از هر بینا، ای آگاه‌تر از هر آگاه،

دُعای جوشن کبیر

يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ، يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يَا أَقْوَى مِنْ

ای شریف تر از هر شریف، ای برتر از هر بلند، ای تواناتر از

كُلِّ قَوِيٍّ، يَا أَعْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ،

هر توانا، ای توانگرتر از هر توانگر، ای بخشنده تر از هر بخشنده،

يَا أَرَأَفَ مِنْ كُلِّ رَوْوْفٍ. ﴿٤٦﴾ يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا صَانِعًا

ای مهربان تر از هر مهربان (۴۶) ای چیره شکست ناپذیر، ای سازنده

غَيْرَ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ،

ناساخته، ای آفریننده نافریده، ای مالک نامملوک،

يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ، يَا رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ، يَا حَافِظًا غَيْرَ

ای چیره چیرگی ناپذیر، ای بلندی بخش بلندی ناپذیر، ای نگهدار

مَحْفُوظٍ، يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَنْصُورٍ، يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ،

بی نگهدار، ای یاری کننده یاری نشده، ای گواه همیشه حاضر،

يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ. ﴿٤٧﴾ يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ

ای نزدیک دوری ناپذیر (۴۷) ای روشنی نور، ای روشنی بخش نور، ای آفریننده

النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ النُّورِ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا

نور، ای گرداننده نور، ای به اندازه ساز نور، ای روشنی هر نور، ای روشنایی

قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ،

پیش از هر نور، ای روشنایی پس از هر نور، ای روشنایی بر فراز هر نور،

يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ. ﴿٤٨﴾ يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ، يَا مَنْ

ای نوری که همانندش نوری نیست (۴۸) ای آن که عطایش چشمگیر است، ای آن

فَعَلُهُ لَطِيفٌ، يَا مَنْ لَطْفُهُ مُقِيمٌ، يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ،

که کارش چشم نواز است، ای آن که نوازشش پایدار است، ای آن که نیکی اش دیرینه است،

يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ،

ای آن که سخنش حق است، ای آن که وعده اش راست است، ای آن که گذشتش فراتر از شایستگی است،

يَا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ، يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلُوٌّ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ.

ای آن که کیفرش داد است، ای آن که یادش شیرین است، ای آن که عطایش همگانی است.

دُعای جوشن کبیر

﴿٤٩﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسَمِکَ، یا مُسَهِّلُ یا مُفَصِّلُ، یا مُبَدِّلُ

(٤٩) خدا یا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای آسان‌ساز، ای جدایی‌بخش، ای دگرگون‌ساز،

یا مُذَلِّلُ، یا مُنَزِّلُ یا مُنَوِّلُ، یا مُفَضِّلُ یا مُجَزِّلُ، یا مُمَهِّلُ

ای هموارکن، ای فرودآور، ای عطابخش، ای فزون‌ده، ای بسیاربخش، ای امان‌ده،

یا مُجَمِّلُ. ﴿٥٠﴾ یا مَنْ یَّرِیْ وَلاَ یُرِیْ، یا مَنْ یَخْلُقُ وَلاَ یُخْلَقُ،

ای زیبایی‌آفرین (٥٠) ای آن‌که ببندد و دیده نشود، ای آن‌که بیافریند و آفریده نشود،

یا مَنْ یَهْدِیْ وَلاَ یُهْدِیْ، یا مَنْ یُحِیْیْ وَلاَ یُحِیْیْ، یا مَنْ یَسْأَلُ

ای آن‌که راهنمایی کند و راهنمایی نشود، ای آن‌که زنده کند و زنده‌اش نکنند، ای آن‌که پرسد

وَلاَ یُسْأَلُ، یا مَنْ یُطْعِمُ وَلاَ یُطْعَمُ، یا مَنْ یُجِیْرُ وَلاَ یُجَارُ عَلَیْهِ،

و پرسیده نشود، ای آن‌که خوراند و خوراک نخواهد، ای آن‌که پناه دهد و پناه نجوید،

یا مَنْ یَقْضِیْ وَلاَ یُقْضِیْ عَلَیْهِ، یا مَنْ یَحْکُمُ وَلاَ یُحْکَمُ عَلَیْهِ،

ای آن‌که داوری کند و بر او داوری نشود، ای آن‌که فرمان دهد و فرمانش ندهند،

یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلاَ یُولَدْ، وَلاَ یَكُنْ لَهٗ کُفُوًا اَحَدٌ. ﴿٥١﴾ یا نِعَمَ

ای آن‌که زاده و زاده نشده، و برای او همتایی نبوده است. (٥١) ای که

الْحَسِیْبُ، یا نِعَمَ الطَّیِّبُ، یا نِعَمَ الرَّقِیْبُ، یا نِعَمَ الْقَرِیْبُ،

چه خوش حسابگری، ای که چه خوش طیبی، ای که چه خوش همراهی، ای که چه خوش نزدیکی،

یا نِعَمَ الْمُجِیْبُ، یا نِعَمَ الْحَبِیْبُ، یا نِعَمَ الْکَفِیْلِ، یا نِعَمَ

ای که چه خوش پاسخ‌دهی، ای که چه خوش دلبری، ای که چه خوش سرپناهی، ای که چه خوش

الْوَكِیْلُ، یا نِعَمَ الْمَوْلِیْ، یا نِعَمَ النَّصِیْرِ. ﴿٥٢﴾ یا سُرُوْرَ

کارگشایی، ای که چه خوش مولایی، ای که چه خوش باوری (٥٢) ای شادی

الْعَارِفِیْنَ، یا مُنِی الْمُحِبِّیْنَ، یا اَنِیْسَ الْمُرِیْدِیْنَ، یا حَبِیْبَ

عارفان، ای آرزوی شیفتگان، ای همدم مریدان، ای محبوب

التَّوَّابِیْنَ، یا رَازِقَ الْمُقَلِّیْنَ، یا رَجَاءَ الْمُذْنِبِیْنَ، یا قُرَّةَ عَیْنِ

توبه‌کاران، ای روزی‌دهنده بی‌چیزان، ای امید‌گنهاران، ای نور چشم

الْعَابِدِیْنَ، یا مُنْفِیْسَ عَنِ الْمَكْرُوْبِیْنَ، یا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُوْمِیْنَ،

عبادت‌کنندگان، ای گشاینده اندوه دلگیران، ای غمگسار غمزدگان،

دُعای جوشن کبیر

يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . ﴿٥٣﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ ،

ای معبود گذشتگان و آیندگان. (۵۳) خدایا! من از تو درخواست می کنم به نامت

يَا رَبَّنَا يَا إِلَهَنَا ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا ، يَا نَاصِرَنَا يَا حَافِظَنَا ، يَا دَلِيلَنَا

ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای سرور ما ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما،

يَا مُعِينَنَا ، يَا حَبِيبَنَا يَا طَيِّبَنَا . ﴿٥٤﴾ يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ ،

ای مدد رسان ما، ای محبوب ما، ای طیب ما. (۵۴) ای پروردگار پیامبران و نیکان،

يَا رَبَّ الصِّدِّيقِينَ وَالْأَخْيَارِ ، يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، يَا رَبَّ

ای پروردگار صدیقان و خوبان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار

الصِّغَارِ وَالْكِبَارِ ، يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثَّمَارِ ، يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ

خردسالان و بزرگسالان، ای پروردگار دانه ها و میوه ها، ای پروردگار نهرها

وَالْأَشْجَارِ ، يَا رَبَّ الصَّحَارَى وَالْقِفَارِ ، يَا رَبَّ الْبَرَارِ

و درختان، ای پروردگار دشته ها و بیشه ها، ای پروردگار خشکیها

وَالْبِحَارِ ، يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، يَا رَبَّ الْأَعْلَابِ وَالْأَسْرَارِ .

و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار اشکارها و نهانها

﴿٥٥﴾ يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ ، يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ

(۵۵) ای آن که فرمانش در هر چیز نفوذ یافته، ای آن که دانشش به هر چیز

عِلْمُهُ ، يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ ، يَا مَنْ لَا تُحْصَى الْعِبَادُ

رسیده، ای آن که قدرتش هر چیز را دربر گرفته، ای آن که بندگان از شمردن

نِعْمَهُ ، يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ

نعمتهایش ناتوانند، ای آن که آفریدگان به سپاسش نرسند، ای آن که فهمها

جَلَالَهُ ، يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ ، يَا مَنْ الْعِظَمَةُ

بزرگی اش را درنیابند، ای آن که پندارها به ژرفای هستی اش نرسند، ای آن که بزرگی

وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تَرْتَدُّ الْعِبَادُ قِضَاءَهُ ، يَا مَنْ لَا مَلِكَ

و بزرگ منشی پوشش اوست، ای آن که بندگان توان برگرداندن حکمش را ندارند، ای آن که فرمانروایی

إِلَّا مُلْكُهُ ، يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ . ﴿٥٦﴾ يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ

جز فرمانروایی او نیست، ای آن که عطایی جز عطای او نیست (۵۶) ای آن که نمونه

دُعای جوشن کبیر

الْأَعْلَى ، يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا ، يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ،

اعلی از آن اوست، ای آن که صفات برتر برای اوست، ای آن که سرانجام و سرآغاز از آن اوست،

يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَأْوَى ، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى ، يَا مَنْ لَهُ

ای آن که بهشت آسایش از آن اوست، ای آن که نشانه‌های بزرگ‌تر از آن اوست، ای آن که

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ ، يَا مَنْ لَهُ الْهُوَاءُ

نامهای نیکوتر از آن اوست، ای آن که فرمان و داوری از آن اوست، ای آن که هوا

وَالْفَضَاءُ ، يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَى ، يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ

و فضا از آن اوست، ای آن که عرش و فرش از آن اوست، ای آن که آسمانهای برافراشته

الْعَلَا. ﴿٥٧﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسِمِكَ ، يَا عَفْوُ يَا غَفُورُ ،

از آن اوست. (۵۷) خدا یا! از تو می‌خواهم به نامت ای درگذرنده، ای آمرزنده،

يَا صَبُورُ يَا شَكُورُ ، يَا رَوْفُ يَا عَطُوفُ ، يَا مَسْؤُولُ يَا وَدُودُ ،

ای شکیبا، ای ستایش‌پذیر، ای مهربان، ای مهرورز، ای خواسته، ای دوست،

يَا سُبُوْحُ يَا قُدُّوسُ. ﴿٥٨﴾ يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُهُ ، يَا مَنْ

ای پاک، ای منزّه. (۵۸) ای آن که بزرگی‌اش در آسمان است، ای آن که

فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ ، يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ ، يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ

نشانه‌هایش در زمین است، ای آن که دلایلش در هر چیز است، ای آن که شگفتیهایش در دریاست،

عَجَائِبُهُ ، يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ ، يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ

ای آن که گنجینه‌هایش در کوههاست، ای آن که آفرینش را آغاز کند سپس

يُعِيدُهُ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ

بازش گرداند، ای آن که همه امور به سوی او بازگردد، ای آن که لطفش را در هر

شَيْءٍ لُطْفَهُ ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ

چیز نمایان ساخته، ای آن که آفرینش هر چیز را نیکو پرداخته، ای آن که توانش

فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ. ﴿٥٩﴾ يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ ،

در آفریدگان کارگر افتاده است. (۵۹) ای دوست آن که دوستی ندارد،

يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ ، يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ ،

ای یز شک آن که یز شک ندارد، ای پاسخگوی آن که پاسخگویی ندارد،

دُعای جوشن کبیر

يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ ، يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ ،

ای یار مهربان آن که یار مهربانی ندارد، ای همراه بی همرهان،

يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ ، يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ ، يَا أُنَيْسَ مَنْ

ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای رهنمای آن که رهنمایی ندارد، ای همدم آن که

لَا أُنَيْسَ لَهُ ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ ، يَا صَاحِبَ مَنْ

همدمی ندارد، ای رحم کننده آن که رحم کننده ای ندارد، ای همنشین آن که

لَا صَاحِبَ لَهُ . ﴿٦٠﴾ يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ ، يَا هَادِيَ مَنْ

همنشینی ندارد (۶۰) ای کفایت کننده هر که از او کفایت خواهد، ای راهنمای هر که از او

اسْتَهْدَاهُ ، يَا كَالِيَّ مَنْ اسْتَكَلَاهُ ، يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرَعَاهُ ، يَا شَافِيَّ

راهنمایی جوید، ای نگاهبان هر که از او نگاهبانی خواهد، ای رعایت کننده هر که از او رعایت خواهد، ای شفادهنده هر که

مَنْ اسْتَشْفَاهُ ، يَا قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ ، يَا مُغْنِيَ مَنْ اسْتَعْنَاهُ ،

از او شفا طلبد، ای داور هر که از او داوری خواهد، ای بی نیاز کننده هر که از او بی نیازی جوید،

يَا مَوْفِيَّ مَنْ اسْتَوْفَاهُ ، يَا مُقْوِيَّ مَنْ اسْتَقْوَاهُ ، يَا وَلِيَّ مَنْ

ای وفادار به هر که از او وفا جوید، ای نیروبخش هر که از او نیرو خواهد، ای سرپرست هر که از او سرپرستی

اسْتَوْلَاهُ . ﴿٦١﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِسَمِيْكَ ، يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ ،

خواهد. (۶۱) خدا یا! از تو می خواهم به نامت ای آفریننده، ای روزی دهنده،

يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ ، يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ ، يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ ، يَا سَابِقُ

ای گویا، ای راستگو ای شکافنده، ای جدا کننده، ای گشاینده، ای پیونددهنده، ای پیشی گیرنده،

[يَا فَاتِقُ] يَا سَامِقُ . ﴿٦٢﴾ يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ، يَا مَنْ

ای بلند جایگاه. (۶۲) ای آن که شب و روز را دگرگون سازد، ای آن

جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ ، يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ ، يَا مَنْ

که تاریکیها و روشناییها را قرار داد، ای آن که سایه خنک و گرما را آفرید، ای آن که

سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ، يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ ، يَا مَنْ خَلَقَ

خورشید و ماه را مسخر ساخت، ای آن که خیر و شر را مقدر نمود، ای آن که

الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ

مرگ و زندگی را آفرید، ای آن که خلق و امر از اوست، ای آن که

دُعای جوشن کبیر

[صَاحِبَةً وَلَا] وَلَدًا، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ

همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که در فرمانروایی شریکی برایش نیست، ای آن که

لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ. ﴿٦٣﴾ يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُتْرِدِينَ،

از روی خواری سرپرستی نخواهد. (۶۳) ای آن که خواهش خواهشمندان را می‌داند،

يَا مَنْ يَعْلَمُ صَمِيرَ الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ،

ای آن که از نهاد خاموشان آگاه است، ای آن که ناله درمندگان را می‌شنود،

يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ،

ای آن که گریه هراسیدگان را می‌بیند، ای آن که نیازهای نیازمندان به دست اوست،

يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ، يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ،

ای آن که بهانه توبه‌کاران را می‌پذیرد، ای آن که عمل تبهکاران را صلاح نبخشد،

يَا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنِ قُلُوبِ

ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نکند، ای آن که از دل

الْعَارِفِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ. ﴿٦٤﴾ يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ، يَا سَامِعَ

عارفان دور نباشد، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان. (۶۴) ای همیشه ماندگار، ای شنونده

الدُّعَاءِ، يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ، يَا غَافِرَ الْخَطَا، يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ،

دعا، ای گسترده عطا، ای آمرزنده خطا، ای پدیدآورنده آسمان،

يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ، يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ، يَا كَثِيرَ

ای نیک آزمون، ای نیکو ستایش، ای دیرینه بر فراز، ای بسیار

الْوَفَاءِ، يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ. ﴿٦٥﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ،

وفادار، ای شریف پاداش. (۶۵) خدا یا! از تو می‌خواهم به نامت

يَا سِتَّارُ يَا غَفَّارُ، يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ، يَا صَبَّارُ يَا بَارُّ، يَا مُخْتَارُ

ای پرده‌پوش ای آمرزگار، ای چیره، ای جاهمند، ای بس شکبیا، ای نیک‌بخش، ای برگزیده،

يَا فَتَّاحُ، يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ. ﴿٦٦﴾ يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي،

ای گشاینده، ای روح‌بخش، ای راحتی‌بخش (۶۶) ای آن که مرا آفرید و بیاراست، و

يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي، يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، يَا مَنْ قَرَّبَنِي

ای آن که مرا روزی داد و پرورید، ای آن که به من خوراندید و نوشانید، ای آن که مرا نزدیک نمود

دُعای جوشن کبیر

وَ اَدْنَانِي ، يَا مَنْ عَصَمَنِي وَ كَفَانِي ، يَا مَنْ حَفِظَنِي وَ كَلَانِي ،

و به کنار خویش برد، ای آن که مرا نگاه داشت و کفایت نمود، ای آن که مرا حفظ کرد و حمایت نمود،

يَا مَنْ اَعَزَّنِي وَ اَغْنَانِي ، يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَ هَدَانِي ، يَا مَنْ اَنْسَنِي

ای آن که به من عزت بخشید و بی نیازم ساخت، ای آن که توفیقم داد و راهنمایی کرد، ای آن که همدم شد

وَ اَوَانِي ، يَا مَنْ اَمَاتَنِي وَ اَحْيَانِي . ﴿٦٧﴾ يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ

و جایم داد، ای آن که مرا بمیراند و زنده کند. (٦٧) ای آن که حق را با

بِكَلِمَاتِهِ ، يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ

کلماتش استوار و برجا کند، ای آن که توبه را از بندگانش بپذیرد، ای آن که میان انسان

الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا بِاِذْنِهِ ، يَا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ

و دلش قرار گیرد، ای آن که شفاعت جز با اجازه اش سود نبخشد، ای آن که به گمراه شدگان

بِمَنْ ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ ، يَا مَنْ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ ، يَا مَنْ لَا رَادَّ

راهش داننا تر است، ای آن که حکمش دگرگونی نپذیرد، ای آن که رأیش

لِقَضَائِهِ ، يَا مَنْ اِنْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِاَمْرِهِ ، يَا مَنْ السَّمَاوَاتُ

را بازگرداننده ای نیست، ای آن که هر چیز فرمانش را گردن نهد، ای آن که آسمانها

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ، يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ .

به دست قدرتش پیچیده گشته، ای آن که بادها را مژده دهنده رحمتش فرستد.

﴿٦٨﴾ يَا مَنْ جَعَلَ الْاَرْضَ مِهَادًا ، يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ اَوْتَادًا ،

(٦٨) ای آن که زمین را بستر زندگی قرار داد، ای آن که کوهها را میخهای زمین نهاد،

يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ، يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نَوْرًا ، يَا مَنْ

ای آن که خورشید را چراغ جهانش کرد، ای آن که ماه را تابان ساخت، ای آن که

جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا ، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا ، يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ

شب را جامه آرامش گرداند، ای آن که روز را مایه روزی قرار داد، ای آن که خواب را وسیله

سُبَاتًا ، يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً ، يَا مَنْ جَعَلَ الْاَشْيَاءَ اَزْوَاجًا ،

آرامش ساخت، ای آن که آسمان را بنا نهاد، ای آن که از هر چیز گونه های مختلف قرار داد،

يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا . ﴿٦٩﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِسْمِكَ ،

ای آن که آتش را کمینگاه قرار داد. (٦٩) خدایا! از تومی خواهم به نامت

دُعای جوشن کبیر

یا سَمِیعُ یا شَفِیعُ ، یا رَفِیعُ یا مُنیعُ ، یا سَریعُ یا بَدِیعُ ، یا کَبیرُ

ای شنوا، ای همیار، ای بلند پایه، ای فراز مند، ای شتابنده، ای نوآفرین، ای بزرگ،

یا قَدیرُ، یا خَبرُ [مُنیر] یا مُجیرُ. ﴿۷۰﴾ یا حَیًّا قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ ،

ای توانا، ای آگاه، ای پناهنده (۷۰) ای زنده پیش از هر زنده،

یا حَیًّا بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ ، یا حَیُّ الَّذی لَیسَ کَمِثْلِهِ حَیٌّ ، یا حَیُّ

ای زنده پس از هر زنده، ای زنده ای که مانند او زنده ای نیست، ای زنده ای که هیچ زنده ای

الَّذی لا یُشارِکُهُ حَیٌّ ، یا حَیُّ الَّذی لا یَحْتَاجُ اِلی حَیٍّ ، یا حَیُّ

شریک او نیست، ای زنده ای که به زنده ای نیاز ندارد، ای زنده ای که

الَّذی یُمیْتُ کُلَّ حَیٍّ ، یا حَیُّ الَّذی یَرزُقُ کُلَّ حَیٍّ ، یا حَیًّا

همه زندگان را می میراند، ای زنده ای که به زنده ها روزی می دهد، ای زنده ای

لَمْ یَرِثِ الحَیَاةَ مِنْ حَیٍّ ، یا حَیُّ الَّذی یُحیی المَوتی ، یا حَیُّ یا

که زندگی را از زنده ای دیگر به ارث نبرده، ای زنده ای که مردگان را زنده می کند، ای زنده ای به خود

قَیومٌ لا تَأخُذُهُ سِنَّةٌ وَّلا نَومٌ. ﴿۷۱﴾ یا مَنْ لَهٗ ذِکرٌ لا یُنسی ،

پاینده ای که او را چرت و خواب درنگیرد. (۷۱) ای آن که یادش دارد فراموش نشدنی،

یا مَنْ لَهٗ نورٌ لا یطفی ، یا مَنْ لَهٗ نَعَمٌ لا تُعَدُّ ، یا مَنْ لَهٗ مُلکٌ

ای آن که نوری دارد خاموش نشدنی، ای آن که عطایایی بخشیده ناشمردنی، ای آن فرمانروایی اش

لا یزولُ ، یا مَنْ لَهٗ ثَناءٌ لا یُحصی ، یا مَنْ لَهٗ جَلاَلٌ لا یُکَیْفُ ، یا

بی زوال است، ای آن که ستایشش بی امار است، ای آن که شکوهش چگونگی نپذیرد، ای

مَنْ لَهٗ کَمالٌ لا یُدْرکُ ، یا مَنْ لَهٗ قَضاءٌ لا یُرَدُّ ، یا مَنْ لَهٗ

آن که کمالی دارد درک ناشدنی، ای آن که داوری اش بازگشت ناپذیر است، ای آن که

صِفاتٌ لا تُبَدَّلُ ، یا مَنْ لَهٗ نُعوْتُ لا تُغَیِّرُ. ﴿۷۲﴾ یا رَبِّ

صفتی دارد دگرگون ناپذیر ای آن که جلوه هایی دارد غیر قابل تغییر. (۷۲) ای پروردگار

العالمین ، یا مالِکَ یَومِ الدِّینِ ، یا غایَةَ الطَّالِبینِ ، یا ظَهَرَ

جهانیان، ای مالک روز جزا، ای مقصود جویندگان ای پشت

اللاجین ، یا مُدرِکَ الهارِبینِ ، یا مَنْ یُحِبُّ الصَّابِرینَ ، یا مَنْ

و پناه پناهندگان، ای دریا بنده فراریان، ای آن که شکیبایان را دوست دارد، ای آن که

دُعای جوشن کبیر

يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ، يَا مَنْ يُحِبُّ

توبه‌کنندگان را دوست دارد ، ای آن که پاکیزگان را دوست دارد ، ای آن که نیکوکاران

المُحْسِنِينَ ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ . ﴿٧٣﴾ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

را دوست دارد ، ای آن که اوست داناتر به راه‌یافتگان (۷۳) خدایا! از

اَسْأَلُكَ بِسَمِّكَ ، يَا شَفِیْقُ يَا رَفِیْقُ ، يَا حَفِیْظُ يَا مُحِیْطُ ، يَا

تو خواستارم به نامت ای مهربان ، ای همراه ، ای نگهدار ، ای فراگیر ، ای

مُقِیْتُ يَا مُعِیْثُ ، يَا مُعِزُّ يَا مُدِلُّ ، يَا مُبْدِئُ يَا مُعِیْدُ . ﴿٧٤﴾ يَا

روزی‌بخش ، ای فریادرس ، ای عزت‌بخش ، ای خوارکن ، ای آغازگر ، ای برگرداننده . (۷۴) ای

مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلا ضِدِّ ، يَا مَنْ هُوَ فَردٌ بِلا نِدِّ ، يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ

آن که یکتاست و ضد ندارد ، ای آن که یگانه است و بی‌مانند ، ای آن که بی‌نیاز و

بِلا عَیْبٍ ، يَا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِلا کَیْفٍ ، يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلا حَیْفٍ ،

کاستی است ، ای آن که بی‌همتای بودن و چگونگی است ، ای آن که داوری دادگر است ،

يَا مَنْ هُوَ رَبُّ بِلا وَزیرٍ ، يَا مَنْ هُوَ عَزِیزٌ بِلا ذُلِّ ، يَا مَنْ هُوَ عَنِیُّ

ای آن که پروردگاری بی‌وزیر است ، ای آن که عزتمندی بی‌خواری است ، ای آن که توانگری

بِلا فَقرٍ ، يَا مَنْ هُوَ مَلِکٌ بِلا عَزَلٍ ، يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ

بی‌نیاز است ، ای آن که پادشاهی عزل‌ناپذیر است ، ای آن که اوصافش

بِلا شَبِیهٍ . ﴿٧٥﴾ يَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِذَاکِرِینَ ، يَا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ

بی‌مانند است . (۷۵) ای آن که ذکرش برای ذاکران شرف است ، ای آن که شکرش برای شاکران

لِلشَّاکِرِینَ ، يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِینَ ، يَا مَنْ طَاعَتُهُ نِجَاةٌ

رستگاری است ، ای آن که ستایشش برای ستایشگران عزت است ، ای آن که طاعتش برای

لِلْمُطِیعِینَ ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِینَ ، يَا مَنْ سَبِیلُهُ وَاضِحٌ

مطعیان مایه نجات است ، ای آن که درگاهش گشوده است به روی جویندگان ، ای آن که راهش برای توبه‌کاران

لِلْمُنِیبِینَ ، يَا مَنْ آیَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِینَ ، يَا مَنْ کِتَابُهُ تَذْکِرَةٌ

هموار است ، ای آن که نشانه‌هایش برای بینندگان دلیل قاطع است ، ای آن که کتابش برای

لِلْمُتَّقِینَ ، يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِینَ وَالْعَاصِیْنَ ، يَا مَنْ

پروا‌پیشگان مایه‌پند و یادآوری است ، ای آن که روزی‌اش همه مطیعان و گنجهکاران را فراگیرد ، ای آن که

دُعای جوشن کبیر

رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ. ﴿٧٦﴾ يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ ، يَا

رحمتش به نیکوکاران نزدیک است. (٧٦) ای آن که نامش خجسته است، ای

مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ ، يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ ، يَا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ ، يَا مَنْ

آن که عنایتش بس بلند است، ای آن که معبودی جز او نیست، ای آن که ستایشش والا است، ای آن

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ ، يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ ، يَا مَنْ الْعِظَمَةُ بِهَاؤُهُ ، يَا

که نامهایش مقدس است، ای آن که هستی‌اش پایدار است، ای آن که بزرگی جلوه زیبایی اوست، ای

مَنْ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تُحْصَى آلَاؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تُعَدُّ

آن که بزرگمنشی پوشش اوست، ای آن که عطایش در شمار نیاید، ای آن که نعمتهایش

نَعْمَاؤُهُ. ﴿٧٧﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ ، يَا مُعِينُ يَا أَمِينُ ،

شمرده نشود. (٧٧) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای مدد رسان، ای امین،

يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ ، يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ ، يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ ، يَا شَدِيدُ

ای آشکارای استوار، ای ارجمند، ای راهنما، ای ستوده، ای بزرگوار، ای سختگیر (گنجهکاران)،

يَا شَهِيدُ. ﴿٧٨﴾ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ ، يَا ذَا الْقَوْلِ السَّدِيدِ ، يَا ذَا

ای گواه. (٧٨) ای صاحب عرش پرشکوه، ای صاحب سخن استوار، ای

الْفِعْلِ الرَّشِيدِ ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ ،

صاحب کردار برازنده، ای صاحب کوبش سخت، ای صاحب نوید و تهدید،

يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ، يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ، يَا مَنْ هُوَ

ای آن که سرپرست ستوده است، ای آن که به نیکی انجام دهد آنچه را خواهد، ای آن که

قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ، يَا مَنْ

نزدیک دوری ناپذیر است، ای آن که بر هر چیز گواه است، ای آن که

هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْبَعِيدِ. ﴿٧٩﴾ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ ،

بر بندگان ستمکار نیست. (٧٩) ای آن که شریک و وزیر ندارد،

يَا مَنْ لَا شَبِيهَ [شِبَهَ] لَهُ وَلَا نَظِيرَ ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

ای آن که مثل و ماندنی ندارد، ای آفریننده خورشید و ماه

الْمُنِيرِ ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ ، يَا

تابان، ای بی‌نیاز کننده در مانده تهیدست، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای

دُعای جوشن کبیر

رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، يَا عِصْمَةَ

مهرورز بر پیر بزرگسال، ای پیونددهنده استخوان شکسته، ای پناه

الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَيْرٌ بَصِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ

ترسان پناه‌جو، ای آن که بر بندگانش آگاه و بیناست، ای آن که

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ﴿٨٠﴾ يَا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ، يَا ذَا الْفَضْلِ

بر هر چیز تواناست. (۸۰) ای صاحب جود و بخشش ای صاحب فضل

وَالْكَرَمِ، يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يَا بَارِيَّ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يَا ذَا

و کرم، ای آفریننده لوح و قلم، ای پدیدآورنده موران و مردمان، ای

الْبَاسِ وَالنِّقَمِ، يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

صاحب عذاب و انتقام ای الهام‌بخش عرب و عجم، ای بردارنده زیان

وَالْأَلَمِ، يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَمَمِ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ، يَا مَنْ خَلَقَ

و درد، ای دانای رازها و قصدها، ای پروردگار کعبه و حرم، ای آفریننده

الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ. ﴿٨١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ، يَا

هر چیز از نیستی. (۸۱) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای

فَاعِلٌ يَا جَاعِلٌ، يَا قَابِلٌ يَا كَامِلٌ، يَا فَاصِلٌ يَا وَاصِلٌ، يَا عَادِلٌ يَا

کردگار، ای هستی‌بخش، ای پذیرنده، ای برازنده، ای جدا، ای پیونددهنده، ای دادگر، ای

غَالِبٌ، يَا طَالِبٌ يَا وَاهِبٌ. ﴿٨٢﴾ يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ، يَا مَنْ

چیره، ای جویا، ای بخشنده، (۸۲) ای آن که به کرمش بخشید، ای آن که

أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ قَدَّرَ

به جودش گرامی داشت، ای آن که به لطفش کرم ورزید، ای آن که به نیرویش عزت یافت، ای آن که به

بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ، يَا مَنْ دَبَّرَ بِلَعْمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ

حکمتش سامان داد، ای آن که به تدبیر خود حکم کرد، ای آنکه با علم خود تدبیر کرد، ای آن که با بردباری اش درگذرد،

بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ. ﴿٨٣﴾ يَا مَنْ

ای آن که به تدبیر خود در عین برتری اش نزدیک است، ای آن که در عین نزدیکی اش برتر است. (۸۳) ای آن که

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، يَا

هر چه خواهد آفریند، ای آن که هر چه خواهد بکند، ای آن که هر که را خواهد راهنمایی کند، ای

دُعای جوشن کبیر

مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ

آن که هر که را بخواهد گمراه سازد، ای آن که هر که را بخواهد عذاب کند، ای آن که هر که را بخواهد

يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ

ببامرزد، ای آن که هر که را بخواهد عزت بخشد، ای آن که هر که را بخواهد خوار گرداند، ای آن که

يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ.

در رحم مادران هر چه خواهد صورت بخشد، ای آن که هر که را بخواهد به رحمتش مخصوص گرداند.

﴿٨٤﴾ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ

(٨٤) ای آن که همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که برای هر چیز

قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ [مِنْ]

اندازه نهاد، ای آن که در حکمش کسی را شریک نساخت، ای آن که

الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا، يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا، يَا مَنْ جَعَلَ

فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد، ای آن که در آسمانها برجهایی گذارد، ای آن که

الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ

زمین را زیستگاه شایسته نمود، ای آن که آدمی را از آب آفرید، ای آن که برای هر

شَيْءٍ أَمَدًا، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ

چیز سرانجامی قرار داد، ای آن که با علم خویش هر چیز را دربر گرفته است، ای آن که تعداد هر

شَيْءٍ عَدَدًا. ﴿٨٥﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا

چیز را شماره نموده است. (٨٥) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای آغاز، ای انجام، ای

ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا بَرُّ يَا حَقُّ، يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ، يَا صَمَدُ يَا سَرْمَدُ.

اشکار، ای نهان، ای نیکوکار، ای حق، ای یگانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای همیشگی.

﴿٨٦﴾ يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرْفٍ، يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبْدٍ، يَا أَجَلَ

(٨٦) ای بهترین شناخته شده‌ای که شناخته شده، ای برترین معبودی که عبادت شده، ای والاترین

مَشْكُورٍ شُكْرًا، يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذِكْرًا، يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حَمْدًا، يَا

ثناپذیری که سپاس شده، ای عزیزترین یاد شده‌ای که یاد شده، ای برترین ستوده‌ای که ستایش شده، ای

أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلِبٍ، يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وَصْفًا، يَا أَكْبَرَ

دیرینه‌ترین موجودی که خواسته شده، ای بلندترین وصف شده‌ای که به وصف آمده، ای بزرگترین